

درباره احتمال ترور امام جامعه هشدار داده بودیم

سعید جلیلی، نماینده رهبر انقلاب در شورای عالی امنیت ملی، در مراسم سالروز طوفان الاقصی که در دانشگاه تهران برگزار شد، به نکات مهمی درباره ابعاد کودتای دی ماه ۱۴۰۴ اشاره کرد. وی در اینباره تاکید کرد: «هشدار دادیم که در عملیات آتی دشمن، احتمال ترور امام جامعه وجود دارد و در صورت وقوع چنین حادثه تلخی، مردم به خیابان‌ها خواهند آمد؛ بنابراین، بهتر است پیش از وقوع حادثه و با هدف ایجاد بازدارندگی، مردم در میدان حضور پیدا کنند و با حضور به موقع خود، مانع تحقق نقشه دشمن شوند.»



۲

چرا تشدید تنش می‌تواند محاسبات ترامپ را برهم بزند؟

جنگ در نقطه ضعف واشنگتن

برخلاف تصویرسازی جریان‌های مدافع عقب‌نشینی و امتیازدهی، قدرت ایران برای اثرگذاری بر معادلات جهانی صرفاً به میدان نظامی محدود نیست و تنگه هرزمی‌تواند به اهرمی تعیین‌کننده در معادله هزینه‌های جنگ برای آمریکا تبدیل شود. خراطیان ابعاد فشاری را بررسی می‌کند که می‌تواند محاسبات جنگ‌طلبانه دولت ترامپ را با چالش جدی مواجه سازد.

۶

خیره به کوه کلنگ،

غافل از اهداف اصلی دشمن

۷



با صدور بیانیه مطرح شد

هشدار خبرگان به دولت درباره معیشت مردم

۳

مطالبه برای حضور نماینده تهران در مجلس افزایش یافت

ممانعت از حضور رسایی در صحن؛ تخلف قانونی

۳



یکی مرد جنگی به از صد هزار

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

صفحه ۵

اقتصادی

بازار کار روسیه؛ مقصد جذاب نیروی کار ایرانی

ایران با اجرای یک برنامه آزمایشی محدود، نیروی کار مورد نیاز بازار روسیه را از مسیرهای رسمی و تحت نظارت تأمین کند؛ پیشنهادی که می‌تواند برای بخشی از جوانان بیکار، تحصیل کرده و دارای سابقه کار، فرصت اشتغال ایجاد کند.

صفحه ۲

سیاسی

معتقدم شهید رئیسی ترور شد

رئیس جمعیت هلال احمر: «من به این اعتقاد دارم که شهید رئیسی ترور شد و هیچ وقت نمی‌توانم بپذیرم که این حادثه طبیعی بوده است. شرایط آنجا برای من عادی نبود و هیچ وقت نتوانستم آن را یک حادثه عادی بدانم.»

مرور آنچه به خصوص در ۲۰ روز گذشته در تنگه هرزم به وقوع پیوسته، از یک تغییر مهم در الگوی اعمال قدرت ایران حکایت دارد؛ تغییری که شاید بتوان آن را به گذار از «تک‌تیر» به «رگبار» علیه شناورها و نفتکش‌های متخلف توصیف کرد. نیروی دریایی سپاه و نیروی دریایی ارتش، دیگر به برخوردهای موردی بسنده نکرده‌اند و کنترل هرمز را به یک سازوکار مستمر برای تحمیل هزینه به متخلفان تبدیل کرده‌اند.

متن کامل در صفحه ۷

نماینده رهبر انقلاب در شورای عالی امنیت ملی لایه‌هایی از پشت‌پرده حوادث منتهی به جنگ رمضان را بیان کرد

درباره احتمال ترور امام جمعه هشدار داده بودیم

و طراحان آن، به خطی بحث‌برانگیز در فضای سیاسی کشور تبدیل شده است؛ خطی که به‌جای پاسخ‌گویی درباره ابعاد این حوادث، اصل مسئله را زیر سؤال می‌برد.

در حالی که رهبر شهید انقلاب اسلامی با تشریح ابعاد فتنه دی‌ماه ۱۴۰۴، از شباهت آن به کودتا، طراحی خارجی و حمله به مراکز حساس کشور سخن گفته بودند، امروز انکار این واقعیت و تخطئه مطالبه برخورد با عوامل



جعفر کاظمی

روزنامه‌نگار

رهبر شهید انقلاب اسلامی در بخشی دیگری از بیاناتشان، با اشاره به منشأ خارجی طراحی این فتنه، تأکید کرده بودند: «نقشه و طراحی این فتنه در خارج اتفاق افتاده بود، مربوط به داخل نبود، بله، یک عده داخلی این فتنه و اغتشاش را راه انداختند، لکن نقشه را در خارج کشیده بودند. از خارج دستور داده می‌شد؛ یعنی اینها با خارج تماس داشتند.»

ایشان همچنین با اشاره به نقش سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی فرموده بودند: «سازمان سیا و سازمان موساد رژیم صهیون، همه امکانات خودشان را به صحنه آوردند! این را یک آمریکایی اعتراف کرد، گفت دو دستگاه جاسوسی فعال و معتبر، یعنی سیا و موساد، همه امکاناتشان را به میدان آوردند و در عین حال شکست خوردند.»

رهبر شهید انقلاب در ادامه، به تلاش برای کشته‌سازی در جریان این حوادث اشاره کرده بودند: «سردسته‌های آموزش دیده موظف بودند کشته‌سازی کنند، کشته به وجود بیاورند. هیچ دشمنی ویژه‌ای هم با بعضی از افراد نداشتند، اما باید کشته به وجود می‌آمد. لذا اینها به مراکز نظامی و انتظامی حمله مسلحانه می‌کردند، با سلاح شخصی پیشرفته حمله می‌کردند، برای اینکه از آن طرف هم عکس‌العمل نشان داده بشود و عده‌ای کشته بشوند.»

کرد: «امروز که آن حادثه تلخ رخ داده و ملت ایران بیش از ۲۰۰ شب با حضور در میدان، چنین قدرت و ظرفیتی را به نمایش گذاشته‌اند، صیانت از این سرمایه عظیم مردمی و حفظ این قدرت ملی، ضرورتی انکارناپذیر است.»

علاوه بر این، رهبر شهید انقلاب اسلامی نیز در بیاناتشان در ۱۲ بهمن‌ماه ۱۴۰۴، در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت چهل‌هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، فتنه آمریکایی - صهیونیستی دی‌ماه ۱۴۰۴ را کودتا قلمداد کرده بودند. ایشان در تشریح ابعاد و ویژگی‌های این کودتا، فرموده بودند: «اغتشاشگرها خودشان را پشت اعتراضات آرام مردم بازاری پنهان کردند؛ این یکی از خصوصیات بود.»

ایشان در ادامه، با اشاره به شباهت این فتنه به کودتا، فرموده بودند: «یک خصوصیت دیگر اینکه این فتنه شبیه کودتا بود؛ یعنی چه کودتا بود؟ یعنی هدف تخریب، مراکز حساس و مؤثر در اداره کشور بود. به پلیس حمله کردند، به مراکز سپاه حمله کردند، به بعضی از مراکز دولتی حمله کردند، به بانک‌ها حمله کردند؛ این از جهت مادی؛ به مساجد حمله کردند، به قرآن حمله کردند؛ این هم از جهت معنوی. آنچه کشور را اداره می‌کند، اینهاست؛ به اینها حمله کردند. این شد کودتا.»

سعید جلیلی، نماینده رهبر معظم انقلاب در شورای عالی امنیت ملی، در مراسم بزرگداشت سالروز طوفان الاقصی که در دانشگاه تهران برگزار شد، به نکته مهمی درباره ابعاد کودتای دی‌ماه ۱۴۰۴ اشاره کرد. او تأکید داشت که پیش از وقوع این حوادث، درباره مقدمه چینی دشمن برای اجرای کودتا در کشور، هشدارهای لازم به مسئولان داده شده بود.

جلیلی در این مراسم اظهار داشت: «در دی‌ماه، زمانی که ۲۵۰ مسجد و جمعی از فرزندان عزیز کشور هدف آتش تهیه سنگین دشمن قرار گرفتند، مسجد به مسجد رفتیم و هشدار دادیم که این حملات، مقدمه چینی دشمن برای یک عملیات نظامی در آینده‌ای نزدیک است.»

وی همچنین افزود: «هشدار دادیم که در عملیات آتی دشمن، احتمال ترور امام جامعه وجود دارد و در صورت وقوع چنین حادثه تلخی، مردم به خیابان‌ها خواهند آمد؛ بنابراین، بهتر است پیش از وقوع حادثه و با هدف ایجاد بازدارندگی، مردم در میدان حضور پیدا کنند و با حضور به موقع خود، مانع تحقق نقشه دشمن شوند.»

نماینده رهبر انقلاب همچنین تأکید



اصرار مشکوک بر انکار کودتا

با وجود تصریح رهبر شهید انقلاب اسلامی به وقوع کودتا در کشور، برخی افراد و جریان‌ها در تلاش‌اند تا اصل این واقعه را انکار کنند و آن را به‌گونه‌ای جلوه دهند که گویی اساساً کودتایی رخ نداده است. در این میان، کسانی که بر ماهیت کودتایی این حوادث تأکید می‌کنند و خواستار برخورد با عوامل و طراحان آن هستند، با توهین و برچسب‌هایی همچون ضدوحدت مواجه می‌شوند؛ رویکردی که عملاً به دنبال خاموش کردن صدای مطالبه‌گران است. در همین راستا، امیرابراهیم رسولی، مشاور محمدباقر قالیباف، گفته بود: «سخن گفتن از کودتا در کشور مایه وهن نظام جمهوری اسلامی و مسئولان کشور است؛ شما چگونه می‌توانید دهانتان را باز کنید و حرف از کودتا بزنید؟ آنهایی که حرف از کودتا می‌زنند، بروند چند تا کتاب علوم سیاسی بخوانند تا بفهمند کودتا چیست!»

پیام تبریک رهبر انقلاب در پی قهرمانی تیم کشتی امید ایران

حضرت آیت‌الله‌سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، در پیامی با تبریک قهرمانی تیم ملی کشتی فرنگی زیر ۲۳ سال در مسابقات جهانی، تأکید کردند: دعای خیر اینجانب بدرقه راه همه جوانان ایران سرافراز.

متن پیام رهبر انقلاب به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

قهرمانی تیم ملی کشتی فرنگی زیر ۲۳ سال ایران را در مسابقات بین‌المللی امیدهای جهان در آمریکا، به این قهرمانان افتخارآفرین، مربیان پرتلاش و آحاد ملت ایران تبریک می‌گویم.

درخشش جوانان میهن، اهتزاز پرچم شوق‌انگیز ایران و وطن‌انداز شدن سرود ملی جمهوری اسلامی در میادین مختلف، تלאؤ امیدهای ملت به جوانان خود در مسیر تحقق آینده‌ای درخشان و پرشکوه است.

دعای خیر اینجانب بدرقه راه همه جوانان ایران سرافراز.

سید مجتبی حسینی خامنه‌ای ۲۵/مهر/۱۴۰۵

خلجی: متهم کردن ایران به نقض تفاهم، تکرار روایت آمریکا است

سپهر خلجی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم، طی گفتگویی با اشاره به متهم کردن ایران به نقض تفاهم اسلام‌آباد توسط برخی چهره‌های سیاسی اظهار کرد: مسئله اصلی این است که جریانی در داخل کشور، پس از خساراتی که آمریکا در سه دور حمله طی یک سال گذشته به کشور وارد کرده، عملاً خط سفیدشویی آمریکا و جنایات این کشور را در داخل دنبال می‌کند.

وی افزود: اگر اظهارات آقای مرعشی، آقای ظریف، مواضع آقای کرباسچی و برخی افرادی را که از نظر جریانی همفکر این افراد هستند، در این مدت بررسی و تحلیل محتوا کنیم، به وضوح می‌بینیم که همه در یک مسیر حرکت می‌کنند و بر یک مفهوم تأکید دارند که به نظر من، آن مفهوم تسلیم است. به نظر من، این پیام در عمل اطمینان خاطر دادن به آمریکایی‌هاست؛ مبنی بر اینکه در داخل ایران، نیروهای قابل اعتماد و قابل اتکایی وجود دارند که آمریکا می‌تواند به آن‌ها تکیه کند.

این تحلیلگر مسائل سیاسی، ایفای نقش این جریان به عنوان وکیل مدافع آمریکایی‌ها دانست و گفت: به‌جای اینکه طرف‌ملت را بگیرند، این جریان تلاش دارد در کنار پیام اصلی جامعه ایرانی به آمریکایی‌ها، یک پیام موازی و خلاف آن را مخابره کند.

خلجی ادامه داد: این جریان، بر مبنای یک اطلاعات غلط، که البته به نظر من عاقلانه هم دارند آن را جا می‌اندازند، می‌گویند جمهوری اسلامی بود که بعد از تفاهم نقض عهد کرد. این اطلاعات غلط و اشتباه را متأسفانه حتی در صحبت‌های آقای پزشک‌یان هم دیدیم و شنیدیم؛ ایشان هم در همین مدل فکری، اطلاعات غلط می‌دهد.

۱۱ عامل اصلی، مرتبط و تخریب‌گر اموال مردم در ملک‌شاهی بازداشت شدند

روز گذشته اداره کل اطلاعات استان ایلام اعلام کرد: سربازان گمنام امام‌زمان (عج) در پی ارسال گزارش‌های مردمی و در ادامه اقدامات خود علیه مزدوران مجری توطئه دشمن جهت برهم زدن امنیت مردم و تخریب اموال عمومی و شخصی، ۱۱ نفر از مزدوران دشمن آمریکایی - صهیونیستی در شهرستان ملک‌شاهی را که در قالب ۳ تیم جداگانه سازماندهی شده بودند، شناسایی و بازداشت کردند.

سیاسی

رئیس جمعیت هلال احمر: معتقدم شهید رئیسی ترور شد

رئیس جمعیت هلال احمر، درباره جزئیات به شهادت رسیدن مسافران پرواز اردیبهشت اظهار داشت: «من به این اعتقاد دارم که شهید رئیسی ترور شد و هیچ وقت نمی‌توانم بپذیرم که این حادثه طبیعی بوده است. شرایط آنجا برای من عادی نبود و هیچ وقت نتوانستم آن را یک حادثه عادی بدانم.» کولیوند در پاسخ به این پرسش که چرا پیدا شدن پیکر رئیس‌جمهور تا این اندازه طول کشید، گفت: «واقعاً دید نداشتیم. حتی یک‌بار، ساعت یک بامداد، در فاصله ۱۰۰ متری آن‌ها بودم، بالای سرشان بودم و گفتم اینجا بوی سوختگی می‌آید و از این حرف‌ها. اما لوکیشنی که به من نشان داده می‌شد، حدود ۱۰ کیلومتر آن طرف‌تر بود.» وی درباره منشأ موقعیت‌های مکانی اشتباه نیز توضیح داد: «این لوکیشن‌ها را کسانی می‌دادند که BTS می‌زدند. انگار آنجا اختلالی ایجاد می‌شد یا اتفاقی که باعث می‌شد موقعیت‌ها اشتباه باشند. این مسئله برای من هیچ وقت عادی نبود.»

رئیس جمعیت هلال احمر با طرح پرسش‌هایی درباره اختلال در ارتباطات در زمان عملیات جست‌وجو تصریح کرد: «وقتی به بالا رسیدیم، صدای هلیکوپترها می‌آمد. تلفن همراه آنتن داشت و اینترنت هم برقرار بود. اما برایم سؤال بود که وقتی تمام آنتن‌ها در آن منطقه بودند و گوشی زنگ می‌خورد، چرا هیچ ارتباطی برقرار نمی‌شد؟ چرا لوکیشن نمی‌دادند یا لوکیشن‌های اشتباه می‌دادند؟» وی در پاسخ به این پرسش که آیا ایران از ترکیه درخواست کمک کرده بود، گفت: «وزارت امور خارجه درخواست کرده بود، و آنها پیهاد فرستادند، اما لوکیشن‌هایی که می‌داد، اشتباه بود.»



گزارش کوتاه

بیانیه خبرگان رهبری درباره معیشت و حجاب

مجلس خبرگان رهبری با صدور بیانیه ای با تأکید بر نقش محوری ملت ایران در حفظ اقتدار، امنیت و استقلال کشور، بر ضرورت تداوم انسجام ملی، تقویت آمادگی دفاعی و مقابله قاطع با تهدیدهای دشمن تأکید دارد. در بخش هایی از این بیانیه آمده است: حضور آگاهانه، گسترده و مستمر ملت شریف، مؤمن و سرافراز ایران در بیش از هفت ماه گذشته در میدان و اجتماعات مردمی، همچنین تجدید میثاق با آرمان های امام خمینی و رهبر شهید بار دیگر نشان داد که ملت رشید ایران، به ویژه در هنگامه تهدید؛ با ایمان، بصیرت، عزم و اراده ای استوار چونان بنیان مرصوص، از اسلام، ایران و استقلال و عزت ملی و ولایت فقیه پاسداری می کند و میان امنیت و استقلال کشور و عزت و شرف و سرنوشت خویش فاصله ای نمی بیند. از این حضور آگاهانه و فداکارانه صمیمانه قدردانی می کنیم. ضروری است این روحیه حضور، همبستگی و مقاومت مسئولانه تا رفع تهدیدها، تثبیت کامل امنیت، بازسازی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و عبور کشور از آثار بحران، با حفظ آرامش، هوشیاری و انسجام ملی استمرار یابد.

در بخش دیگری از این بیانیه تأکید شده است: در شرایط حساس کنونی، ضروری است نیروهای مسلح با حفظ آمادگی همه جانبه، هوشمندی و اقتدار، هرگونه تهدید و تجاوز علیه کشور را قاطعانه و متناسب، پشیمان کننده و غافلگیرانه پاسخ دهند و تهدیدهای مقامات جنگ افروز و جنایتکار آمریکایی علیه ایران و اسلام باید با هوشیاری و جدیت دنبال شود و دستگاه دیپلماسی، نهادهای حقوقی و مسئولان امنیت ملی، در مقابل هرگونه تهدید و تجاوز دشمن قاطعانه اعلام موضع نمایند. اعضای مجلس خبرگان رهبری همچنین از دولت، مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه خواسته اند تا با نگاهی جامع و آینده نگر، آسیب پذیری های کشور را شناسایی و برای پیشگیری از بحران ها و افزایش تاب آوری ملی، برنامه های روشن، عملیاتی و قابل ارزیابی تدوین و اجرا کنند.

عفاف و حجاب، محور دیگر بیانیه خبرگان بود. در این خصوص تأکید شده است: ملت سرافراز ایران نمی تواند نسبت به گسترش فرهنگ برهنگی، بی بندوباری، عادی سازی بی حجابی و تضعیف بنیان خانواده بی تفاوت باشد. حفظ عفاف، حیا، حجاب، تقویت بنیان خانواده و سلامت اخلاقی جامعه، هم وظیفه ای شرعی و هم در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی، مسئولیتی قانونی است. در عین حال، مواجهه با این مسئله باید با حکمت، عقلانیت، اقتناع، کار فرهنگی عمیق، حمایت از خانواده، تربیت نسل جوان و ابلاغ و اجرای قاطع قانون همراه باشد. از مسئولان فرهنگی و اجرایی کشور انتظار می رود در برابر جریان هایی که در صدد عادی سازی بی عفتی و تضعیف خانواده اند، برنامه ای جامع، مستمر و مؤثر ارائه دهند؛ حجاب و عفاف نباید به مسئله ای مقطعی تبدیل شود.

همچنین در پایان این بیانیه آمده است: تورم، کاهش قدرت خرید، بی ثباتی بازار، مشکلات تولید، مسکن و اشتغال و دشواری معیشت، مستقیم برامید و اعتماد عمومی اثر می گذارد. از این رو از دولت محترم انتظار می رود اقتصاد و معیشت را از اولویت های اعلامی به اولویت عملیاتی کشور تبدیل کند و برای مسائل اساسی، برنامه ای روشن، زماندار، دارای مسئول مشخص و شاخص های قابل ارزیابی ارائه دهد.



بررسی صلاحیت وزیر پیشنهادی دفاع در جلسه مجلس

سخنگوی هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی اعلام کرد: جلسه امروز یکشنبه مجلس به صورت مجازی برگزار خواهد شد و در این جلسه، بررسی صلاحیت و رای اعتماد به وزیر پیشنهادی دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح نیز در دستور کار قرار دارد. وی در تشریح کیفیت جلسه رای اعتماد، تصریح کرد: نمایندگان موافق و مخالف فرصت خواهند داشت دیدگاه ها و نظرات خود را درباره صلاحیت، سوابق و برنامه های وزیر پیشنهادی دفاع مطرح کنند. همچنین وزیر پیشنهادی دفاع نیز فرصت خواهد داشت تا با ارائه توضیحات و تشریح برنامه ها و دیدگاه های خود به پرسش های مطرح شده پاسخ دهد. سخنگوی هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: در پایان جلسه، رای گیری درباره صلاحیت و اعطای رای اعتماد به وزیر پیشنهادی دفاع با مشارکت نمایندگان مجلس انجام خواهد شد و نتیجه آن، تکلیف ادامه فعالیت وزیر پیشنهادی در این مسئولیت را مشخص خواهد کرد.

موضوعی مورد اشاره قرار گرفته است. دکتر حامد نیکونهاد، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی نیز موضع مشابهی در این راستا داشته و گفته است: محکومیت به حبس نباید مانع از ایفای وظایف نمایندگی شود. مطابق قانون اساسی، هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است، نه صرفاً رأی دهندگان یا حوزه انتخابیه خود. از این منظر، حمید رسایی نماینده ملت ایران است و محروم شدن او از امکان انجام وظایف نمایندگی، می تواند به معنای از دست رفتن یک تریبون و صدای بخشی از ملت باشد. به گفته این حقوقدان با توجه به امکانات ارتباطی امروز، بسیاری از وظایف نمایندگی را می توان به صورت غیرحضور پیگیری کرد. بنابراین، باید از تمام ظرفیت های قانونی و امکانات موجود استفاده کرد تا زمینه استمرار فعالیت نمایندگی او، در حدود امکان و موازین قانونی، فراهم شود.



همزمان با برگزاری بررسی رای اعتماد به وزیر پیشنهادی دفاع، مطالبه برای حضور نماینده تهران در مجلس افزایش یافت

ممانعت از حضور رسایی در صحن؛ تخلف قانونی

سخنگوی هیات رئیسه مجلس اعلام کرد: جلسه امروز یکشنبه به صورت مجازی برگزار خواهد شد و در این جلسه، بررسی صلاحیت و رای اعتماد وزیر پیشنهادی دفاع در دستور کار قرار خواهد داشت. این خبر در کنار اعلام قبلی سخنگوی دستگاه قضا مبنی بر «با اینکه قانون درباره انجام وظایف قانون گذاری حجت الاسلام رسایی سکوت کرده؛ اما قوه قضائیه آماده است تا تسهیلات لازم را برای انجام وظایف نمایندگی فراهم کند»، انتظارات برای زمینه سازی حضور نماینده تهران در جلسه امروز را بالا برده است.

امین مهاجر روزنامه نگار

از منظر حقوقی، حبس ۱۰ ماهه رسایی، مطابق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، مجازات تعزیری درجه شش محسوب می شود. ماده ۲۵ همین قانون، چنین محکومیتی را به تنهایی موجب محرومیت تبعی خودکار از حقوق اجتماعی قرار نداده است، بنابراین صرف صدور یا آغاز اجرای این میزان حبس، به معنی سلب خودکار سمت نمایندگی نیست. از سوی دیگر، مطابق مواد ۸۵ و ۸۶ آیین نامه داخلی مجلس، حبس نماینده مستقلاً و بطور خودکار سبب زوال عضویت و لغو وظایف نمایندگی نمی شود.

نظر حقوقدانان

دکتر غلامحسین الهام، وزیر اسبق دادگستری در اینباره معتقد است: محکومیت به حبس رسایی موجب سلب وظیفه نمایندگی اش نمی شود. براساس قانون باید مقدمات حضور مجازی این نماینده در جلسات مجلس فراهم شود. دکتر محمد هادی صادقی، عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز نیز گفته است: همان طور که اداره زندان ها در مسائل فردی مکلف است شرایط لازم را برای انجام وظایف و اعمال حقوق شخص زندانی فراهم کند، در این مورد نیز سازمان زندان ها موظف است شرایطی فراهم کند تا فرد بتواند تکالیف خود را به عنوان نماینده مردم انجام دهد و از سایر حقوقش نیز برخوردار باشد. وی افزود: موضوع فراتر از حق این نماینده است؛ زیرا او مکلف است منافع مردم را پیگیری کند. حبس، این تکلیف را ساقط نمی کند؛ چرا که اگر حبس را موجب سقوط این تکلیف بدانیم، حقوق اشخاص ثالث، یعنی مردم، تضییع خواهد شد. نه دادگاه چنین صلاحیتی دارد و نه اساساً در حکم صادر شده، چنین

از جمله موضوعاتی که به دنبال محکومیت حجت الاسلام حمید رسایی نماینده مردم تهران در مجلس به ده ماه حبس با شکایت رئیس مجلس مطرح شده بود، تکلیف ایفای شان نمایندگی مردم تهران توسط رسایی در ایام محکومیت و زندان بود. با توجه به تصریح قانون مبنی بر اینکه وظیفه نمایندگی قابل تفویض به غیر نیست و شخص نماینده منتخب مردم در این خصوص مسئولیت دارد، مطالبه زمینه سازی برای ایفای این نقش توسط رسایی در دوره محکومیت مطرح شد. از جمله دوستعلی نماینده مردم کرمان در مجلس طی گفتگویی که هفته گذشته با نوبنیاد داشت، تصریح کرده بود که با رفتن یک نماینده به زندان، او از موقعیت نمایندگی و ایفای وظایف نمایندگی کنار گذاشته نمی شود. دوستعلی همچنین درباره جایگزین شدن یک نماینده به جای نماینده زندانی تصریح کرد: مطابق اصل ۸۵ قانون اساسی سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل به واگذاری به دیگری نیست و به همین دلیل شرایط نمایندگی در سرجای خود باقی می ماند.

ناظر به همین موضوع، این مطالبه شکل گرفت که با توجه به محتوای قانون اساسی و مقررات موجود، بایستی شرایط و امکانات برای نماینده ای که در زمان محکومیت به سر می برد، فراهم کرد تا او به ایفای وظایف نمایندگی خود بپردازد. از جمله اینکه نماینده زندانی میتواند به صحن بیاید و وظایف خود را انجام دهد و به زندان برگردد یا در جلسات مجازی مجلس شرکت کند و... تا راستای احیای حقوق مردم و نمایندگی مردم اختلالی صورت نپذیرد. سخنگوی قوه قضائیه نیز در نشست خبری اخیر خود گفته بود: «با اینکه قانون درباره انجام وظایف قانون گذاری حجت الاسلام رسایی سکوت کرده؛ اما قوه قضائیه آماده است تا تسهیلات لازم را برای انجام وظایف نمایندگی فراهم کند.»

جعفری آذر: طرح دولت درباره کالابریک هیچ سنخیتی با وعده‌ها ندارد



نایب رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس با انتقاد از عملکرد دولت در اجرای طرح کالابریک الکترونیک گفت: در موضوع کالابریک، متأسفانه آنچه در قانون آمده، مطالبه جامعه است و آنچه دولت، شخص رئیس جمهور، رئیس سازمان برنامه و بودجه و وزرای اقتصاد و تعاون، کار و رفاه اجتماعی در دی‌ماه سال گذشته و ماه‌های پایانی سال اعلام کردند، تاکنون عملیاتی نشده است. طرحی هم که اکنون اعلام کرده‌اند، هیچ سنخیت و نسبتی با قول و قرارهای داده‌شده به مجلس و مردم ندارد. علی جعفری آذر با بیان اینکه مجلس در موضوع کالابریک یک هدف مهم را دنبال می‌کند، ادامه داد: هدف قانون‌گذار از تصویب این سازوکار و ایجاد سامانه پرداخت کالابریک الکترونیک این بوده و هست که در شرایط تورم بالای کشور که

اماواگرهایی است که نه در قانون پیش بینی شده و نه در وعده‌ها اعلام شده بود.

وی در پایان تأکید کرد: امیدواریم دولت در میانه این شرایط که تاب‌آوری مردم نیازمند حمایت است، با توجه به پیش‌بینی منابع افزایش کالابریک در بودجه و افزایش درآمدهای ارزی که افزایش نرخ کالابریک به‌نوعی حمایت از تولیدات کشاورزی، دامی و باغی نیز به‌شمار می‌رود، این بهانه‌ها و پیش‌شرط‌ها را کنار بگذارد. دولت باید مبلغ کالابریک را مطابق وعده‌ای که داده بود، از اردیبهشت‌ماه اصلاح و جبران کرده و مابه‌التفاوت آن را بپردازد. برای پیشگیری از بدعهدی، ضروری است رقم کالابریک متناسب با نرخ تورم کشور افزایش یابد و بدون هیچ قید و شرطی، به‌سرعت پرداخت شود.

متأسفانه در بخش تأمین مواد غذایی شدیدتر نیز هست، دولت به‌گونه‌ای از مردم حمایت کند که قدرت خرید آن‌ها برای تهیه این اقلام حفظ شود. او افزود: در شرایط فعلی که در میانه یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی قرار داریم و متأسفانه با تورم دورقمی و حتی سه‌رقمی در برخی اقلام خوراکی مواجهیم، انتظار جامعه این است که دولت مسئولانه به میدان بیاید، تمام اماواگرها و صغری و کبری چیدن‌ها را کنار بگذارد و به‌طور مؤثر از مردم حمایت کند.

این نماینده مجلس تصریح کرد: دولت وعده داده بود که در سال جاری و از اردیبهشت‌ماه، مبلغ کالابریک را افزایش دهد؛ اما آنچه امروز و پس از چند ماه تأخیر و بی‌تکلیفی مردم مطرح می‌شود، تعریف سامانه‌های جدید، به همراه شروط و

گزارش «نوبنیاد» از ثبات نسبی بازار ارز در دولت سیزدهم تا تورم

۸۹.۸ درصدی حال حاضر

دولتی که پشت جنگ پنهان می‌شود

بازار ارز و شاخص‌های تورمی اقتصاد ایران در فاصله پایان دولت سیزدهم تا شهریور ۱۴۰۵، مسیری متفاوت و نگران‌کننده را پشت سر گذاشته‌اند. در حالی که در سال پایانی دولت سیزدهم، نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه در محدوده ۳۰ درصد و رشد قیمت دلار در حدود ۲۰ درصد تثبیت شده بود، با استقرار دولت چهاردهم، روند صعودی نرخ ارز و تورم بار دیگر شدت گرفت. این روند که پیش از جنگ رمضان نیز به افزایش قابل توجه قیمت‌ها و تضعیف قدرت خرید خانوارها انجامیده بود، پس از آغاز جنگ با شدت بیشتری ادامه یافت؛ به‌گونه‌ای که تورم نقطه‌به‌نقطه در شهریور امسال به ۸۹.۸ درصد رسید و رشد سالانه نرخ ارز در بازار آزاد نیز در همین ۱۲۶ درصد گزارش می‌شود.

افزایش هزینه‌ها به قیمت مصرف‌کننده را فراهم کرد. نتیجه این وضعیت، شتاب گرفتن تورم نقطه‌به‌نقطه بود؛ به‌نوعی که این شاخص با عبور از ۶۰ درصد، وارد کانال ۷۰ درصد شد. این روند، در کنار افزایش هزینه تأمین کالاها و نهاده‌های تولید، فشار مضاعفی بر رسیدن مصرفی خانوارها وارد کرد. هنگامی که افزایش نرخ ارز با تغییرات ناگهانی در سیاست‌های ارزی همراه می‌شود، آثار آن می‌تواند در مدت کوتاهی به بخش‌های مختلف بازار منتقل شود؛ از این رو، مدیریت زمان‌بندی و نحوه اجرای سیاست‌های ارزی نیز به‌اندازه اصل تصمیم‌گیری اهمیت پیدا می‌کند.

جنگ، عامل تشدید بحران؛ نه آغاز همه مشکلات

مجموع این تحولات پیش از شروع جنگ رمضان رخ داده بود؛ روندی که از افزایش مداوم قیمت‌ها، تشدید فشارهای معیشتی و ناکامی در مهار مؤثر بازار ارز حکایت داشت. در این چارچوب، بی‌ثباتی اقتصادی و گرانی‌های بی‌سابقه، با تشدید ناراضی‌های اجتماعی و فراهم‌شدن زمینه سوءاستفاده دشمن در شبه‌کودتای خونین دی‌ماه، به یکی از ابعاد مهم شرایط کشور تبدیل شد. در این روایت، چنین وضعیتی به دشمن آمریکایی برای آغاز عملیات علیه میهن عزیزمان چراغ سبز نشان داد پس از وقوع جنگ نیز روند صعودی پیشین متوقف نشد و با شدت بیشتری ادامه یافت. مطابق آخرین آمار منتشرشده از سوی مرکز آمار، تورم نقطه‌به‌نقطه در شهریور ۱۴۰۵ به ۸۹.۸ درصد رسیده است؛ در همین مقطع، رشد سالانه نرخ ارز در بازار آزاد نیز ۱۲۶ درصد گزارش می‌شود. این ارقام از تداوم فشار بر اقتصاد خانوار و افزایش هزینه تأمین کالاها حکایت دارند. در چنین شرایطی، تداوم رهاشدگی بازار ارز و نبود مداخله مؤثر برای مهار نوسانات آن می‌تواند زمینه افزایش بیشتر قیمت‌ها و تشدید بحران معیشتی را فراهم کند. تداوم این مسیر، نگرانی درباره مشاهده نرخ‌های تورم سه‌رقمی در ماه‌های آینده را نیز افزایش می‌دهد.

مسئله اساسی آن است که جنگ رمضان، هرچند شرایط اقتصادی کشور را دشوارتر کرده، آغازگر تمام روندهای تورمی و ارزی نبوده است. افزایش نرخ ارز، عبور تورم از محدوده‌های پیشین و آثار سیاست‌های ارزی بر قیمت کالاها، همگی پیش از شروع جنگ نیز قابل مشاهده بودند. بنابراین، ارزیابی عملکرد اقتصادی دولت چهاردهم مستلزم توجه هم‌زمان به فشارهای ناشی از جنگ و روندهای است که پیش از آن شکل گرفته‌اند. نسبت دادن تمام مشکلات کنونی به شرایط جنگی، بدون پاسخ‌گویی درباره تحولات ماه‌های پیش از جنگ، نمی‌تواند تصویر کاملی از وضعیت اقتصاد کشور ارائه دهد.

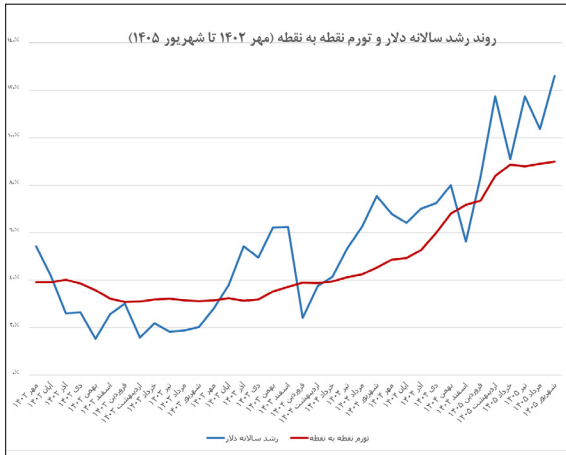
دارایی نیست؛ بلکه می‌تواند به عاملی برای افزایش عمومی سطح قیمت‌ها و تضعیف قدرت خرید خانوارها تبدیل شود. به همین دلیل، نحوه مدیریت بازار ارز و میزان حساسیت سیاست‌گذار نسبت به نوسانات آن، نقش مهمی در کنترل تورم و حفظ ثبات اقتصادی دارد. با افزایش نرخ ارز از پاییز ۱۴۰۳، آثار این روند به تدریج در شاخص‌های تورمی نیز نمایان شد. تورم نقطه‌به‌نقطه که برای ماه‌ها در محدوده ۳۱ درصد قرار داشت، با ورود به فصل زمستان روند صعودی به خود گرفت و به محدوده ۴۰ درصد رسید. به این ترتیب، فاصله میان آغاز افزایش شتابان نرخ ارز و تشدید تورم، بار دیگر نقش این متغیر را در تحولات قیمت کالاها و خدمات برجسته کرد.

ادامه روند صعودی پس از جنگ ۱۲ روزه

پس از جنگ ۱۲ روزه که اقتدار و اتحاد مردم، کارگزاران نظام و نیروهای مسلح، دست دشمن را از کشور دور نگه داشته بود، مشکلات اقتصادی و عملکرد تیم اقتصادی دولت چهاردهم همچنان به یکی از محورهای اصلی نگرانی تبدیل شد. تداوم بی‌ثباتی بازار ارز، نبود حساسیت کافی نسبت به تسویه حساب‌های ارزی تجار و ضعف کنترل بر بازار ترستی‌ها، از جمله عواملی بودند که در روایت موجود از تحولات بازار ارز، در افزایش فشار بر این بازار نقش داشتند. در نتیجه این وضعیت، نرخ مطلق دلار بار دیگر مسیر صعودی در پیش گرفت و پیش از آغاز جنگ رمضان به ۱۶۶ هزار تومان رسید. هم‌زمان، نرخ رشد سالانه قیمت ارز در مردادماه از ۶۰ درصد فراتر رفت و حتی پیش از شروع جنگ رمضان به ۸۰ درصد رسید. تحولات تورمی نیز از همین روند تبعیت می‌کرد. تورم نقطه‌به‌نقطه پیش از وقوع جهش ارزی زمستان (جراحی ارزی نیمه دی ماه ۱۴۰۴) و پیش از آغاز جنگ رمضان، مسیر افزایشی خود را ادامه داده و به حدود ۵۰ درصد رسیده بود. این موضوع نشان می‌دهد که اقتصاد کشور پیش از ورود به شرایط جنگی نیز با فشارهای فزاینده تورمی مواجه بود و افزایش قیمت‌ها را نمی‌توان صرفاً محصول تحولات پس از شروع جنگ دانست.

شوک ارزی و تشدید فشار بر سفره خانوار

اوج‌گیری فشار تورمی پس از شوک ارزی دی‌ماه، بار دیگر آثار تصمیم‌های ارزی بر بازار کالاها را آشکار کرد. حذف یکباره ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان، با وجود فاصله فاحش نرخ این ارز با نرخ بازار آزاد، به افزایش شدید قیمت برخی کالاها انجامید و فشار تازه‌ای بر هزینه‌های مصرفی خانوارها وارد کرد. تغییر ناگهانی مبنای تأمین ارز کالاها، در شرایطی که نرخ ارز در بازار آزاد نیز روندی صعودی داشت، زمینه انتقال سریع تر



هادی مولائی

روزنامه‌نگار

بررسی‌ها نشان می‌دهد که اگرچه جنگ و پیامدهای آن می‌تواند فشارهای تازه‌ای بر اقتصاد کشور وارد کنند، اما مسیر صعودی نرخ ارز و تورم پیش از آغاز جنگ رمضان شکل گرفته بود. از این رو، نمی‌توان تمام مشکلات معیشتی کنونی را به شرایط جنگی نسبت داد و نقش سیاست‌های اقتصادی دولت، نحوه مدیریت بازار ارز و تصمیم‌های مؤثر بر قیمت کالاها را نادیده گرفت. در سال پایانی دولت سیزدهم، تیم اقتصادی دولت با تمرکز بر مدیریت بازار ارز و کنترل تورم توانسته بود نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه را در محدوده ۳۰ درصد نگه دارد و رشد قیمت دلار را نیز در حدود ۲۰ درصد تثبیت کند. این وضعیت پس از بحران‌های ارزی و تورمی اواخر دهه ۹۰ و تحولات اقتصادی دولت دوازدهم، بار دیگر نشانه‌هایی از ثبات اقتصادی و آرامش نسبی معیشتی را به همراه داشت.

اهمیت این ثبات زمانی بیشتر نمایان می‌شود که در نظر بگیریم کشور در بهار سال ۱۴۰۳ (عملیات وعده صادق یک) نیز با اتفاقات و تحولات غیرمنتظره‌ای مواجه شد، اما روند نسبتاً باثبات بازار ارز و شاخص‌های اقتصادی همچنان ادامه داشت. به این ترتیب، ثبات نسبی بازار ارز در آن مقطع، حتی در شرایط دشوار سیاسی و امنیتی، یکی از ویژگی‌های مهم عملکرد اقتصادی سال پایانی دولت سیزدهم محسوب می‌شد. با وجود این، از ابتدای پاییز ۱۴۰۳ و هم‌زمان با استقرار دولت چهاردهم، روند بازار ارز تغییر کرد. افزایش نرخ ارز نیمی در ماه‌های ابتدایی فعالیت دولت پزشکیان، به تدریج نشانه‌های بازگشت بی‌ثباتی را به این بازار آشکار ساخت. در پایان پاییز آن سال، نرخ رشد سالانه قیمت ارز به ۵۴.۳ درصد رسید و این شاخص در پایان سال به ۶۲.۴ درصد افزایش یافت؛ ارقامی که از شتاب گرفتن افزایش نرخ ارز نسبت به دوره پیشین حکایت داشتند.

انتقال بی‌ثباتی ارز به بازار کالاها

اهمیت تحولات بازار ارز در اقتصاد ایران صرفاً به افزایش قیمت دلار محدود نمی‌شود. بخش قابل توجهی از کالاها و نهاده‌های تولیدی، به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، از نرخ ارز تأثیری پذیرند. افزایش قیمت ارز می‌تواند هزینه واردات مواد اولیه، تأمین کالاهای واسطه‌ای و تولید محصولات داخلی را بالا ببرد و در نهایت، با انتقال این هزینه‌ها به قیمت مصرف‌کننده، فشار تورمی گسترده‌تری ایجاد کند. در چنین شرایطی، بی‌ثباتی بازار ارز تنها به معنای افزایش قیمت یک

موج خبر

چرا وزارت اقتصاد لغو مجوز بانک صادرات را به FATF گره زد؟

در شرایط تشدید فشار آمریکا برای قطع ارتباطات مالی ایران، مرکز اطلاعات مالی وزارت اقتصاد لغو مجوز بانک صادرات در لبنان را به FATF مرتبط دانسته است. خبرگزاری فارس نوشت: مرکز اطلاعات مالی زیر نظر وزارت امور اقتصادی و دارایی در واکنش به لغو مجوز شعبه بانک صادرات در لبنان تأکید کرده است که این بانک از سال‌ها قبل تحت تحریم آمریکا بوده؛ بنابراین تحریم‌های آمریکا به‌تنهایی نمی‌تواند علت اصلی تصمیم اخیر باشد. این مرکز در ادامه، تلاش لبنان برای خروج از فهرست خاکستری FATF و حفظ ارتباط بانک‌های لبنانی با نظام مالی بین‌المللی را عامل اصلی این تصمیم معرفی کرده است. بر اساس این استدلال، لبنان برای نشان دادن جدیت خود در مقابله با پول‌شویی و تأمین مالی غیرقانونی، تصمیم گرفته است ارتباط رسمی بانکی با بانک صادرات را قطع کند.

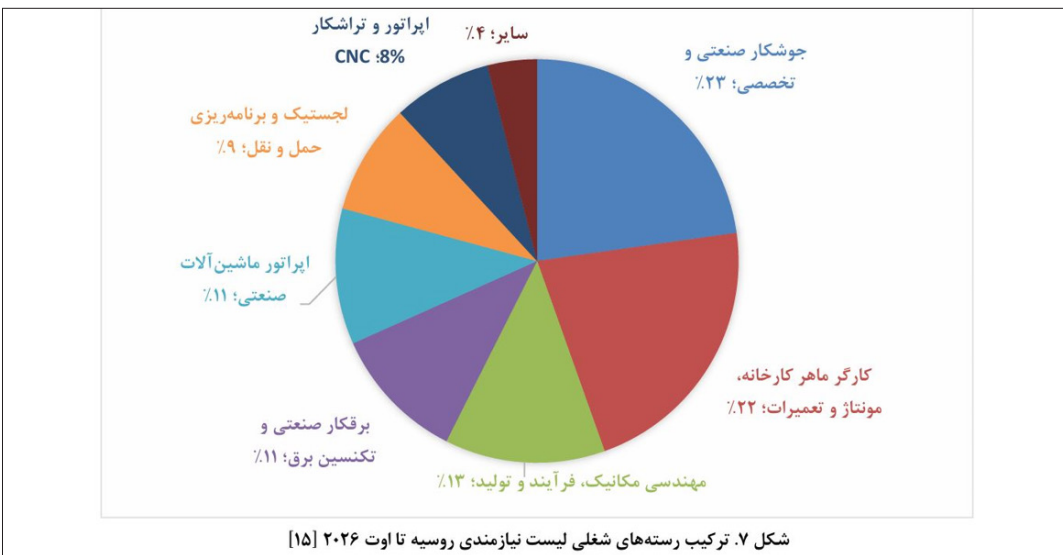
این در حالی است که اظهارات مقام‌های آمریکایی نشان می‌دهد واشنگتن به‌صراحت به دنبال قطع ارتباطات مالی ایران با جهان است و این موضوع بسیار فراتر از مسئله FATF است. اسکاوت بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا، ۲ شهریور ۱۴۰۵ و هم‌زمان با آغاز عملیات موسوم به «طرد اقتصادی»، اعلام کرد که «هدف آمریکا قطع همه شریان‌های اقتصادی تأمین‌کننده منابع مالی ایران است و ترامپ با رهبران کشورهای مختلف تماس گرفته و از آن‌ها خواسته است تعاملات خود با ایران را متوقف کنند.» بنابراین، نمی‌توان فشارهای تازه بر روابط بانکی ایران را صرفاً در چارچوب FATF دانست. از طرف دیگر، بانک صادرات در کشورهای دیگری مثل عمان، قطر و ترکمنستان نیز شعبه دارد؛ اگر حضور این بانک تأثیری بر وضعیت این کشورها در فهرست FATF داشت، این کشورها هم حداقل باید در فهرست خاکستری قرار می‌گرفتند، در صورتی که چنین نیست. به نظر می‌رسد مرکز اطلاعات مالی پس از چند بار تلاش ناموفق برای تعامل با FATF، بار دیگر قصد دارد این موضوع را برجسته کند تا مگر از این طریق بتواند مقامات داخلی را برای پذیرش و اجرای مطالبات این نهاد مجاب کند. این در حالی است که ایران حتی کوانتسیون‌های CFT و پارلمو را نیز تصویب کرد، اما FATF آن را از ایران نپذیرفت. حالا مشخص نیست چرا مرکز اطلاعات مالی، در شرایطی که آمریکا فشار بر نظام مالی ایران را تشدید کرده، تلاش می‌کند ایران را مقصر جلوه دهد و همچنان پیگیر تعامل با نهادی است که نگرانی‌هایی درباره انتقال اطلاعات مالی ایران از طریق آن، به‌ویژه در شرایط جنگ، وجود دارد.

مرکز پژوهش‌های مجلس گزارش داد:

بازار کار روسیه؛ مقصد جذاب نیروی کار ایرانی

گزارشی از مرکز پژوهش‌های مجلس پیشنهاد می‌کند ایران با اجرای یک برنامه آزمایشی محدود، نیروی کار موردنیاز بازار روسیه را از مسیرهای رسمی و تحت نظارت تأمین کند؛ پیشنهادی که می‌تواند برای بخشی از جوانان بیکار، تحصیل کرده و دارای

سابقه کار، فرصت اشتغال ایجاد کند. براساس این گزارش، نرخ بیکاری روسیه در سال ۲۰۲۵ و اوایل ۲۰۲۶ به حدود ۲.۱ تا ۲.۲ درصد رسیده است؛ درحالی‌که ایران حدود ۸۲۶ هزار بیکار دارای تحصیلات عالی داشته است.



شکل ۷. ترکیب رسته‌های شغلی لیست نیازمندی روسیه تا اوت ۲۰۲۶ [۱۵]

ظرفیت ایران؛ ۸۲۶ هزار بیکار تحصیل کرده

در سوی دیگر، بازار کار ایران علی‌رغم کاهش نرخ بیکاری عمومی، همچنان با تمرکز بیکاری در میان جوانان و دانش‌آموختگان دانشگاهی روبه‌رو است. برپایه آمار سال ۱۴۰۴ که در گزارش بازتاب یافته، نرخ بیکاری جمعیت ۱۸ تا ۳۵ ساله کشور به ۱۵ درصد رسیده است. همچنین حدود ۸۲۶ هزار نفر (معادل ۴۱ درصد از کل بیکاران) دارای تحصیلات عالی بوده‌اند. از این تعداد، بیش از ۲۱۲ هزار نفر در رشته‌های مهندسی، ساخت‌وساز و تولید تحصیل کرده‌اند؛ گروهی که بخشی از آن می‌تواند با نیازهای صنعتی و فنی روسیه هم‌پوشانی داشته باشد. افزون بر این، حدود یک میلیون و ۶۰ هزار نفر از بیکاران در پنج سال گذشته سابقه اشتغال داشته‌اند؛ به‌طوری‌که حدود ۴۱۸ هزار نفر از آنان دارای سابقه فعالیت در چهار گروه عمده شغلی فنی و تخصصی بوده‌اند و حدود ۵۲۴ هزار نفر نیز پیش‌تر در بخش‌های صنعتی، ساختمانی، حمل‌ونقل و فعالیت‌های تخصصی اشتغال داشته‌اند.

اعزام نیروی کار؛ فراتر از معرفی شغل

یکی از محورهای اصلی گزارش، ضرورت طراحی زنجیره‌ای کامل از مرحله شناسایی فرصت شغلی تا بازگشت نیروی کار است. براین اساس، ثبت‌نام عمومی متقاضیان یا معرفی افراد به فرصت‌های شغلی نامشخص، نمی‌تواند مبنای مناسبی برای همکاری دوجانبه باشد. این فرایند باید با درخواست واقعی و قابل راستی‌آزمایی کارفرمای روسی آغاز شود؛ درخواستی که در آن عنوان شغل، تعداد نیرو، مهارت لازم، محل خدمت، مدت قرارداد و میزان دستمزد شفاف شده باشد. پس از آن، مهارت متقاضی باید متناسب با استانداردهای مورد قبول کارفرما سنجیده شود. آموزش زبان روسی در محیط کار، ایمنی و بهداشت حرفه‌ای، قوانین اشتغال و اقامت، و آشنایی با حقوق و تعهدات قراردادی نیز از مراحل پیشنهادی به شمار می‌روند. به بیان دیگر، صرف داشتن مدرک تحصیلی یا سابقه کار در ایران، تضمین‌کننده اشتغال بی‌درنگ فرد در شغل مشابه در روسیه نخواهد بود. این گزارش همچنین تأکید می‌کند که قرارداد مکتوب و شفاف باید پیش از خروج در اختیار متقاضی قرار گیرد و هیچ‌گونه هزینه استخدام یا واسطه‌گری نباید به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به او تحمیل شود. ممانعت از توقیف مدارک هویتی و فراهم ساختن سازوکار شکایت و پیگیری حقوقی نیز از دیگر الزامات اساسی برای جذب منصفانه نیروی کار عنوان شده است.

هادی هدایت زاده

روزنامه‌نگار

گزارش راهبردی «ظرفیت‌ها و الزامات توسعه همکاری ایران و روسیه در حوزه نیروی کار» که مهرماه ۱۴۰۵ از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر شده، بازار کار روسیه را دارای محدودیت ساختاری در عرضه نیروی انسانی توصیف می‌کند. براساس این بررسی، کاهش جمعیت در سن کار، سالمندی نیروی انسانی و افت جمعیت فعال، از اواخر دهه ۲۰۱۰ فشار بر بازار کار روسیه را افزایش داده است. این روند پس از سال ۲۰۲۲ و هم‌زمان با گسترش صنایع دفاعی، بسیج نظامی، مهاجرت بخشی از متخصصان و توسعه پروژه‌های جایگزینی واردات شدت یافته است. برآورد گزارش نشان می‌دهد نرخ بیکاری روسیه در سال ۲۰۲۵ به حدود ۲.۱ درصد رسیده است؛ سطحی که در این گزارش، پایین‌ترین میزان از زمان فروپاشی شوروی توصیف می‌شود. البته این وضعیت به معنای کمبود نیروی انسانی در تمام مشاغل نیست. از اواخر ۲۰۲۵ و با گند شدن نسبی رشد اقتصادی، شدت تنگنای بازار کار تا حدی کاهش یافته و کمبودها بیشتر در حرفه‌ها و مهارت‌های مشخصی متمرکز شده‌اند.

کدام مشاغل در روسیه متقاضی دارند؟

براساس این گزارش، کمبود نیروی کار در روسیه عمدتاً در حوزه‌های صنعتی و فنی، ساخت‌وساز، حمل‌ونقل و لجستیک، سلامت، فناوری و برخی مشاغل تخصصی متمرکز است. جوشکاران ماهر، برق‌کاران صنعتی، رانندگان خودروهای سنگین، مهندسان و نیروهای فنی از جمله گروه‌هایی هستند که در این بررسی مورد توجه قرار گرفته‌اند. ترکیب فرصت‌های شغلی بررسی شده در فهرست نیازمندی‌های روسیه تا اوت ۲۰۲۶ نیز تصویر روشن‌تری از این تقاضا ارائه می‌دهد: جوشکاران صنعتی و تخصصی ۲۳ درصد؛ کارگران ماهر کارخانه، مونتاژ و تعمیرات ۲۲ درصد؛ مهندسان مکانیک و تولید ۱۳ درصد؛ و برق‌کاران صنعتی و تکنسین‌های برق ۱۱ درصد از فرصت‌های دسته‌بندی شده را تشکیل می‌دهند. همچنین اپراتورهای ماشین‌آلات صنعتی ۱۱ درصد و مشاغل حوزه لجستیک و برنامه‌ریزی حمل‌ونقل با ۹ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این ترکیب نشان می‌دهد که فرصت بالقوه همکاری، بیش از آنکه به اعزام عمومی نیروی کار وابسته باشد، به شناسایی دقیق مهارت‌های مورد نیاز و انطباق آن‌ها با توانمندی‌های نیروی کار ایرانی بستگی دارد.

نبض اقتصاد

مرز ایران با میانجی بسته شد

پس از چند روز انتشار اخبار ضدونقیض درباره بسته‌شدن مرز ایران و پاکستان، سرانجام از روز گذشته فعالیت تجاری گذرگاه «ریمدان-گبد» از سمت پاکستان متوقف شد. این اتفاق در شرایطی رخ داد که ایران و پاکستان برای افزایش تجارت سالانه به ۱۰ میلیارد دلار هدف گذاری کرده‌اند. سید حسین حسینی، مدیرکل دفتر ترانزیت سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای ایران، دیروز در گفت‌وگو با فارس اعلام کرد که فعالیت تجاری مرز ریمدان-گبد از صبح ۲۵ مهرماه متوقف شده، اما تردد مسافران از این گذرگاه همچنان ادامه دارد. همچنین اندیشکده مشترک ایران و پاکستان اعلام کرد که سفیر پاکستان در تهران در گفت‌وگویی با مدیران اندیشکده، بسته‌شدن گذرگاه را از سمت پاکستان تأیید کرده است.

انسداد فعالیت تجاری ریمدان در شرایطی رخ داده است که مشکلات حمل‌ونقل در این مسیر از ماه‌ها پیش مطرح شده بود. براساس گزارش‌ها، حدود ۳۰۰۰ کامیون در صف عبور از این مرز قرار دارند و برخی رانندگان برای عبور از گذرگاه بین ۲۰ تا ۳۰ روز منتظر مانده‌اند. توقف طولانی کامیون‌ها، علاوه بر افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل، گردش ناوگان را مختل می‌کند و هزینه تمام‌شده انتقال کالا را افزایش می‌دهد. یکی از مشکلات اصلی در سمت پاکستان، تعدد نهادهای دخیل در فرآیندهای مرزی و دشواری هماهنگی میان آن‌هاست. گمرک پاکستان، نیروهای امنیتی و شرکت لجستیکی NLC در بخش‌هایی از عملیات مرزی نقش دارند. محدودیت ظرفیت توزین، تعدد رویه‌های اداری و ضرورت تخلیه بار از یک کامیون و انتقال آن به کامیون طرف مقابل نیز زمان عبور محموله‌ها را افزایش می‌دهد. مشکلات مرزی در حالی ادامه دارد که ایران و پاکستان بر افزایش مبادلات تجاری تا سقف سالانه ۱۰ میلیارد دلار تأکید کرده‌اند. تحقق این هدف صرفاً با توافق‌های سیاسی امکان‌پذیر نیست و به تسهیل رویه‌های گمرکی، توسعه زیرساخت‌ها و ایجاد سازوکار پایدار برای حمل‌ونقل کالا نیاز دارد.

صادرات به پاکستان موقتاً متوقف شد

پیمان سندجی، رئیس کمیسیون حمل‌ونقل اتاق بازرگانی تهران، نیز در گفت‌وگو با مهر درباره آخرین وضعیت تجارت زمینی ایران و پاکستان اظهار کرد: «روز جمعه نامه‌ای جعلی مبنی بر تعطیلی یکی از گذرگاه‌های مرزی مشترک ایران و پاکستان بازنشر شد، اما چنین نامه‌ای صحت ندارد.» وی افزود: «براساس آخرین اطلاعات موجود، مرز مشترک تجارت زمینی ایران و پاکستان بسته نیست، اما واردکنندگان پاکستانی برای محموله‌هایی که از ایران وارد می‌کنند، باید فرم الکترونیکی واردات را به شبکه بانکی خود ارائه دهند.» سندجی بیان کرد: «با توجه به تحریم بانک‌های ایرانی و سیستم بانکی کشور، انجام این فرآیند دشوار شده و مشکلاتی را برای صادرات ایران به پاکستان و واردکنندگان پاکستانی که محموله‌های خود را از ایران تأمین می‌کنند، ایجاد کرده است.»

واردات ادامه دارد

وی یادآور شد: «در مقابل، امکان ادامه واردات از پاکستان به ایران همچنان وجود دارد و باید مشخص شود که طرف پاکستانی تا چه اندازه برای ادامه این روند همکاری خواهد کرد.» رئیس کمیسیون حمل‌ونقل اتاق بازرگانی تهران در پایان خاطرنشان کرد: «در صورت تداوم محدودیت‌های ناشی از تحریم سیستم بانکی ایران و نبود امکان انجام فرآیندهای بانکی مورد نیاز، صادرات ایران به پاکستان عملاً متوقف خواهد شد.» پاکستان در ماه‌های اخیر، علاوه بر روابط تجاری با کشورهایی به عنوان همسایه‌ای در جنوب شرق، نقش میانجی را نیز میان ایران و آمریکا در پیش گرفته بود. با این حال، توقف فعالیت تجاری ریمدان، در کنار صف طولانی کامیون‌ها و مشکلات استفاده از بنادر پاکستان، ضرورت بازنگری در سازوکار تجارت دو کشور را برجسته می‌کند. اگر قرار است هدف ۱۰ میلیارد دلاری از سطح توافق فراتر برود، تعیین تکلیف انسداد اخیر، کاهش زمان توقف کامیون‌ها، رفع موانع بانکی و گمرکی و توسعه مسیرهای جایگزین باید به صورت هم‌زمان دنبال شود.

فرصت‌ها و چالش‌های بازار کار روسیه برای ایران

مرکز پژوهش‌های مجلس، توسعه همکاری در حوزه نیروی کار با روسیه را فرصتی بالقوه برای کاهش بار بیکاری در گروه‌های هدف، افزایش درآمد خانوارها، فراهم‌سازی بستر انتقال رسمی درآمد ارزی و ارتقای تجارب حرفه‌ای

نیروی انسانی ایران ارزیابی می‌کند. با این حال، دستیابی به این اهداف در گرو طراحی دقیق سازوکار اجرایی و حمایت

حقوقی مؤثر از کارگران است. پیوند خوردن وضعیت اشتغال و اقامت به کارفرما در برخی مسیرهای

قانونی، موانع زبانی، ناهمخوانی استانداردهای

حرفه‌ای، فعالیت دلالان و واسطه‌های غیررسمی، و چالش‌های

نقل و انتقال ارزی، از جدی‌ترین ریسک‌های پیش‌رو به شمار می‌آیند. در نبود

نظارت همه‌جانبه، حتی وجود فرصت‌های واقعی نیز می‌تواند به عقد قراردادهای ناعادلانه، تحمیل

هزینه‌های سنگین به کارجویان یا شکل‌گیری اشتغال غیررسمی

بینجامد. از این رو، همکاری دو کشور در این حوزه به جای رویکردی شتاب‌زده و

گسترده، باید در قالب برنامه‌های محدود، شفاف و مبتنی بر نیاز واقعی آغاز شود تا تنها

پس از سنجش نتایج، اطمینان از استیفای حقوق نیروی کار و

تثبیت مسیرهای امن شغلی و بانکی، دربارۀ تداوم و گسترش آن

تصمیم‌گیری شود.

در بخش جذب نیروی خارجی در روسیه، چند مسیر حقوقی بررسی شده است؛ از جمله «مجوز کار» برای اتباع کشورهای نیازمند روآدید، «پتنت کار» برای اتباع برخی کشورهای دارای امکان ورود بدون روآدید، و «مسیر ویژه متخصصان با صلاحیت بالا». با توجه به اینکه اتباع ایرانی برای ورود و اشتغال در روسیه مشمول دریافت روآدید هستند، استفاده از سازوکار «پتنت کار» برای نیروهای اعزامی ایران منتفی است. در مقابل، مسیر عمومی «مجوز کار» می‌تواند برای نیروهای فنی، صنعتی، لجستیکی و خدماتی دارای پیشنهاد شغلی مشخص کاربرد داشته باشد؛ مشروط بر آنکه سهمیه‌ها رعایت شوند یا فرد مشمول معافیت‌های قانونی مربوط به برخی مشاغل باشد. مسیر «متخصصان با صلاحیت بالا» نیز ویژه افرادی است که شرایط تخصصی و حداقل دستمزد مقرر در قوانین روسیه را احراز کنند. بنابراین، انتخاب مسیر قانونی باید برای هر دره شغلی و هر موقعیت استخدامی به‌طور مجزا صورت پذیرد و امکان استفاده از یک فرمول واحد برای تمامی متقاضیان وجود ندارد.

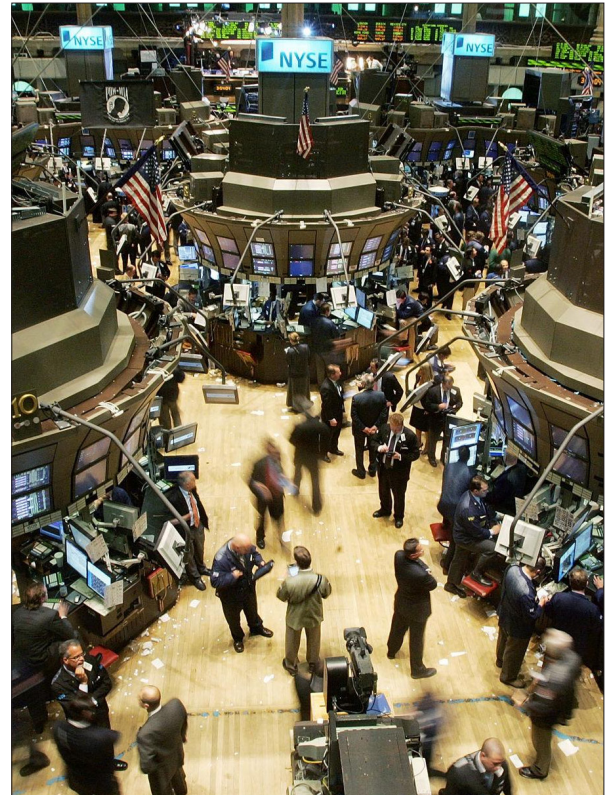
انعقاد توافق نامه دوجانبه با روسیه

گزارش مذکور با بررسی تجربه روسیه در همکاری با کشورهای نظیر هند، ازبکستان و تاجیکستان، انعقاد یک موافقت‌نامه دوجانبه میان ایران و روسیه را پیشنهاد می‌دهد. این توافق باید وظایف نهادهای دو کشور، سازوکار تأیید تقاضای کارفرما، شیوه‌گزینش نیرو، امضای قرارداد پیش از اعزام، شرایط کاری، پوشش بیمه‌ای، حمایت‌های اجتماعی، سازوکار رسیدگی به شکایات، شیوه انتقال درآمد و فرایند بازگشت نیروی کار را به دقت معین کند. در این چارچوب، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌تواند نقش مرجع راهبری برنامه‌رادر داخل کشور بر عهده بگیرد و اموری چون اعتبارسنجی تقاضای کارفرمایان روسی، نظارت بر کارایی‌های بین‌المللی دارای مجوز و تطبیق موقعیت‌های شغلی با متقاضیان را هدایت کند. همچنین سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور باید در ارزیابی مهارت‌ها و تدوین دوره‌های آموزشی پیش از اعزام مشارکت داشته باشد. در نهایت، پیشنهاد شده است ظرفیت نمایندگی‌های دیپلماتیک ایران در روسیه برای صیانت از حقوق کارگران تقویت شود؛ از جمله از طریق استقرار «وابسته کار» در سفارت ایران در مسکو و به‌کارگیری ظرفیت سرنسولگری برای اعتبارسنجی کارفرمایان، نظارت بر پرداخت به موقع دستمزدها، بررسی استانداردهای اسکان و رسیدگی به دعاوی و شکایات.

چرا تشدید تنش می‌تواند محاسبات ترامپ را برهم بزند؟

جنگ در نقطه ضعف واشنگتن

آیا آمریکا در صورت شعله‌ور کردن دوباره جنگ علیه ایران، می‌تواند از تبعات اقتصادی آن در امان بماند؟ مهدی خراطیان، کارشناس مسائل بین‌الملل، در یادداشتی مستند به گزارش‌های صندوق بین‌المللی پول، فدرال رزرو و داده‌های اقتصادی آمریکا، به بررسی آسیب‌پذیری‌های واشنگتن در برابر تداوم تقابل با ایران پرداخته است. این یادداشت نشان می‌دهد که برخلاف تصویرسازی جریان‌های مدافع عقب‌نشینی و امتیازدهی، قدرت ایران برای اثرگذاری بر معادلات جهانی صرفاً به میدان نظامی محدود نیست و تنگه هرمز می‌تواند به اهرمی تعیین‌کننده در معادله هزینه‌های جنگ برای آمریکا تبدیل شود. خراطیان ابعاد فشاری را بررسی می‌کند که می‌تواند محاسبات جنگ‌طلبانه دولت ترامپ را با چالش جدی مواجه سازد. متن کامل این یادداشت به شرح زیر است.



گروه بین الملل

وقتی شوک نفتی به قلب اقتصاد آمریکا می‌رسد

همچنین داده‌های PPI نیز موید داغ شدن تورم در آمریکاست. شاخص قیمت تولیدکننده (PPI) در سپتامبر نسبت به ماه قبل ۳/۱٪ جهش کرد؛ بیشترین افزایش از مارس ۲۰۲۲ و بیش از دو برابر رقم مورد انتظار ۶/۰٪. نرخ تورم سالانه به ۳/۶٪ رسید و تورم هسته به ۵٪ افزایش یافت.

داده‌ها نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از این جهش ناشی از جنگ ایران و جهش قیمت نفت و فرآورده‌های نفتی است. همین امر موجب شده که عده زیادی به نفس افزایش بهره منتقد باشند چرا که به شوک عرضه پاسخی نمی‌دهد، اما Fed در تلاش است جلوی گسترش تبعات این شوک را بگیرد.

سه چهارم جهشهای PCE ایالات متحده (که فدرال رزرو آنرا مبنای تصمیم خود میداند) با دو چیز قابل توضیح است، نخست شوکهای نفتی و دوم، سیاستهای پولی فدرال رزرو.

همانطور که در اینجا دیده میشود، میان قیمت نفت آمریکا WTI و CPI همبستگی بسیار قابل توجهی وجود دارد، و پیش‌بینی نامه فبسی در ماه آوریل این بوده که در صورت بقای نفت بر ۱۱۲ دلار، CPI آمریکا به ۵/۳ درصد جهش خواهد کرد که تا حد خوبی محقق شده است.

ایران و آمریکا در چند ماه اخیر به سمت نقطه عطف حرکت کرده و آسیب‌پذیری اقتصاد آمریکا به طرز معناداری بیش از گذشته شده است، همانطور که اقتصاد ایران نیز در این معرکه و وجودی زیر فشار بی‌سابقه‌ای قرار دارد.

همچنین براساس گزارش اخیر IEA نشان خواهیم داد چرا مماشات ماه سپتامبر ایران با عبور و مرور کشتی‌ها در تنگه هرمز مصداق یک خطای فاحش راهبردی و بسیار خطرناک برای امنیت ملی بوده است.

برای شروع خوب است که به بروز رسانی اخیر نمودار بلک راک برای ریسک‌های ژئوپولیتیک‌نگاهی داشته باشیم. پیش از این، بارها خاطر نشان کرده بودیم که پس از طوفان الاقصی، به دلیل ملاحظات تهران و خطوط قرمز خود خواسته آن در «جنگ منطقه‌ای»، به رغم اینکه جنگ خاورمیانه از احتمال بالا (رنگ قرمز) برخوردار بود و مورد توجه بسیار زیاد بازارهای مالی قرار داشت، عمدتاً در ربع دوم نمودار قرار داشت به این معنی که قدرت تأثیرگذاری آن بر بازارهای مالی چندان جدی گرفته نمیشد. در آپدیت اخیر بلک راک پس از ماه می، بعد از مدت‌ها جنگ خاورمیانه نه تنها در کانون توجه است (بیش از همه موارد) بلکه در کنار «تنش‌ها در نیم کره غربی» و «حملات بزرگ سایبری» دارای تأثیر قابل توجهی بر بازارهای مالی است و این در شرایطی است که جنگ ایران و آمریکا در حالت «کم شدت» قرار دارد.

در متن گزارش اخیر IMF با عنوان «تاب‌آوری تحت فشار، انتخابهای فوری» پیرامون دنیروی تعیین‌کننده برای آینده اقتصاد جهان، یعنی ژئوپولیتیک (به طور خاص جنگ خاورمیانه) و انقلاب AI چنین میخوانیم: «دو نیروی بزرگ و تحول‌آفرین، یعنی ژئوپولیتیک و فناوری، در حال بازشکل‌دهی اقتصاد جهانی هستند؛ در حالی که آثار کوتاه‌مدت آن‌ها به تدریج آشکار می‌شود، پیامدهای بلندمدتشان همچنان تا حد زیادی ناشناخته است.

ژئوپولیتیک در تازه‌ترین و حادث‌ترین نمود خود، در جنگ خاورمیانه تجلی یافته است؛ در همین حال، درگیری‌ها در مناطق دیگر و تنش‌ها در روابط تجاری بین‌المللی نیز همچنان بر فعالیت‌های اقتصادی سایه افکنده‌اند.

جنگ از میدان نظامی تا زمین اقتصاد

شوک منفی عرضه ناشی از جنگ، از طریق افزایش قیمت انرژی و نوسان‌پذیری بیشتر آن و نیز تأثیر این عوامل بر پویایی‌های تورم، در حال انتقال به بخش‌های مختلف اقتصاد است. به نظر می‌رسد بخش خصوصی تاکنون توانسته است خود را به خوبی با شوک‌های ژئوپولیتیکی ناشی از درگیری مستقیم و مناقشات تجاری تطبیق دهد. با این حال، در شرایطی که وقفه‌های کوتاه‌مدت در جنگ و حملات متناوب در یک درگیری طولانی و فرسایشی جای یکدیگر را می‌گیرند، برخی از حاشیه‌های مانور و سازوکارهای تعدیلی که در آغاز بحران، با این فرض که خصومت‌ها کوتاه‌مدت خواهند بود، از اقتصاد جهانی محافظت می‌کردند، به تدریج محدودتر

می‌شوند. در نتیجه، احتمال تحمیل هزینه‌های اقتصادی سنگین‌تر، ملموس‌تر از گذشته شده است. فراتر از افق کوتاه‌مدت، پیامدهای اقتصادی ناشی از تغییر توازن قدرت سیاسی و فرسایش ثبات و اعتماد، چه در داخل منطقه و چه در سایر نقاط جهان، با عدم قطعیت بسیار زیادی همراه است. در تازه‌ترین تحولات، فناوری در قالب یک شوک مثبت تقاضا ظاهر شده است؛ شوکی که نیروی محرک آن، سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی (AI) و سخت‌افزارها و زیرساخت‌های مرتبط با آن است. جریان‌های تجاری این تحول را به شکلی برجسته نشان می‌دهند. با این حال، هنوز مشخص نیست که آیا این شوک مثبت تقاضا در بلندمدت، از طریق ایجاد رشد سریع‌تر بهره‌وری، به یک شوک مثبت عرضه تبدیل خواهد شد یا خیر.

تورم دست‌بستگی ایران زیر ضرب واقعیت‌ها

در این گزارش سناریوی پایه برای رشد اقتصاد جهانی، به‌بود یافته، اما به نکاتی مشروط شده است:

«فرض برای این است که تنگه هرمز در مارس ۲۰۲۷ (اسفند ۱۴۰۵ تا فروردین ۱۴۰۶) بار دیگر بازگشایی شود و تا حدود اکتبر ۲۰۲۷ (مهر ۱۴۰۶)، شرایط به‌طور کلی به وضعیت پیش از جنگ بازگردد. این فرض به معنای احیای تدریجی تولید، کشتیرانی، بیمه و ترتیبات پرداخت است، نه عادی‌شدن فوری جریان‌های انرژی.

انتظار می‌رود با برداشت بیشتر از ذخایر، گسترش استفاده از مسیرهای جایگزین و افزایش نسبی عرضه از سوی تولیدکنندگان خارج از منطقه درگیری، عموماً از کمبودهای شدید جلوگیری شود. با این حال، فرض بر این است که در برخی اقتصادهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه کمبودهایی رخ دهد؛ کشورهایی که ذخایر در دسترس ندارند و برای دستیابی به محموله‌های موجود، با رقابت شدیدتر از سوی کشورهای ثروتمندتر مواجه‌اند. همچنین فرض بر این است که نااطمینانی سیاستی و ژئوپولیتیکی در سراسر سال ۲۰۲۷ همچنان در سطح بالایی باقی بماند. در همین حال، فرض بر این است که چرخه جهانی فناوری، که هوش مصنوعی محرک آن است، از شتاب بیفتد. به‌طور کلی، فرض بر این است که رشد بهره‌وری با ثبات باقی بماند و در کشورهایی که اخیراً افزایش یافته است، به تدریج به سطحی نزدیک به روند بلندمدت خود همگرا شود. در افق زمانی پیش‌بینی‌ها، هیچ فرضی مبنی بر افزایش بیرون‌زای اضافی در رشد بهره‌وری بر اثر به‌کارگیری هوش مصنوعی در نظر گرفته نشده است.»

هشدار صندوق

درباره فرسایش تاب‌آوری اقتصاد جهان

در این گزارش علاوه بر سناریوی مشروط فوق به سناریوی بدبینانه‌ای نیز پرداخته شده است. این سناریوی بدبینانه، از حیث رکود نسبت به آوریل (ماه آتش بس) کمی خوش‌بینانه‌تر اما از حیث تورم بدبینانه‌تر است. باید توجه کرد که طبق این گزارش، سناریوی رکود خفیف دارای احتمال کمی نیست.

از مدل G20 برای ایجاد توزیع‌های احتمالی پیرامون سناریوی مبنا استفاده می‌شود. این کار از طریق نمونه‌گیری از شوک‌هایی انجام می‌گیرد که براساس داده‌های تاریخی زیربنایی استخراج شده‌اند (Andrie and Hunt, 2020). همانند گزارش چشم‌انداز اقتصاد جهانی آوریل ۲۰۲۶، دوره‌های جهش قیمت نفت در دهه ۱۹۷۰ بیش از سال‌های دیگر در نمونه‌گیری لحاظ شده‌اند تا خطر وقوع شوک‌های بزرگ و منفی عرضه در طول افق پیش‌بینی گزارش ارزیابی شود. توزیع ریسک‌ها همچنان به سمت سناریوهای بدبینانه متمایل است.

احتمال اینکه رشد سالانه اقتصاد آمریکا در سال ۲۰۲۷ به کمتر از یک درصد برسد، حدود ۳۰ درصد برآورد شده است؛ وضعیتی که با رکودی نسبتاً خفیف، با آغاز در سه‌ماهه چهارم سال ۲۰۲۶، سازگار است. این احتمال اندکی کمتر از برآورد آوریل، یعنی ۳۵ درصد، است.

در مورد تورم، احتمال اینکه تورم کل ایالات متحده در سال ۲۰۲۷ از ۴ درصد فراتر رود، حدود ۳۰ درصد برآورد می‌شود؛ رقمی بالاتر از برآورد آوریل، یعنی ۲۰ درصد.

در ادامه: «در این سناریو، درگیری تا پایان ژوئن ۲۰۲۷ ادامه می‌یابد و موجب می‌شود تنگه‌های هرمز و باب‌المندب تا حد زیادی به روی کشتیرانی تجاری بسته بمانند. همچنین، خسارات وارده به زیرساخت‌های نفتی منطقه گسترش می‌یابد و روند احیای عرضه نفت تا پایان سال ۲۰۲۷ به تأخیر می‌افتد.

تولید نفت کشورهای عضو اوپک (سازمان کشورهای صادرکننده نفت) در سال‌های ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷، به ترتیب ۱۰ و ۲۲ درصد کمتر از سطح پیش‌بینی شده در سناریوی مبنا خواهد بود و در سال ۲۰۲۸ به وضعیتی عادی بازمی‌گردد. با توجه به محدود بودن امکان برداشت بیشتر از ذخایر نفتی، قیمت نفت از سه‌ماهه چهارم سال ۲۰۲۶ تا سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۷ به ۱۳۰ دلار در هر بشکه می‌رسد و تا سه‌ماهه چهارم سال ۲۰۲۷ به سطح پیش‌بینی شده در سناریوی مبنا بازمی‌گردد. میانگین قیمت نفت در سال‌های ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷، به ترتیب ۱۷ و ۴۰ درصد بالاتر از سناریوی مبنا خواهد بود.

اسپرد کراک (Crack Spread)، یعنی اختلاف قیمت نفت خام با قیمت فرآورده‌های پالایش شده، که از آغاز درگیری به تدریج افزایش یافته است، در مقایسه با سناریوی مبنا، دیرتر به وضعیت عادی بازمی‌گردد.

تولید و تجارت گاز طبیعی مایع شده (LNG) نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد و این امر بر قیمت گاز طبیعی در آفریقا، آسیا، اروپا و خاورمیانه اثر می‌گذارد. شاخص‌های مرجع قیمت گاز طبیعی در آسیا و اروپا در سال‌های ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷، به ترتیب ۱۷ و ۲۶ درصد بالاتر از سناریوی مبنا خواهند بود. در مقابل، قیمت گاز طبیعی در قاره آمریکا افزایش نخواهد یافت. برای شروع بحث در مورد تأثیرات منفی جهش نفت، لازم است ابتدا نگاهی به آخرین وضعیت داده‌های تورمی آمریکا داشته باشیم. آخرین داده CPI ماه سپتامبر افزایش سالانه معادل ۷/۳ درصد اعلام شد که بیشتر از انتظارات و به میزان قابل توجهی بیش از هدفگذاری Fed است.

پشت پرده سناریوی عملیات روانی واشنگتن با تکیه بر «مادر بمب‌ها»

خیره به کوه کلنگ، غافل از اهداف اصلی دشمن

کرده است؛ عملیاتی که می‌تواند برای فشار بر تصمیم‌گیران ایرانی طراحی شده باشد، اما خطای بزرگ‌تر آن است که تمام سناریوی دشمن به یک حمله محدود علیه یک سایت هسته‌ای تقلیل داده شود.

انتشار زنجیره‌ای از گمانه‌زنی‌ها و گزارش‌ها درباره احتمال حمله آمریکا به تأسیسات زیرزمینی «کوه کلنگ» در نطنز، همزمان با برجسته‌شدن گزینه «مادر همه بمب‌ها»، جنگ روانی واشنگتن علیه تهران را وارد مرحله تازه‌ای



محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

انتشار سلسله توثیث‌ها و گمانه‌زنی‌ها درباره حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای زیر زمینی و کوهستانی نطنز، معروف به «کوه کلنگ»، در کنار بحث‌های هفته گذشته درباره استفاده احتمالی از بمب معروف به «مادر همه بمب‌ها»، جنگ روانی آمریکا علیه ایران را وارد مرحله تازه‌ای کرده است.

در چنین فضایی مرتضی غرق‌ی خبرنگار پیشین ایران در نیویورک، مدعی شد «آمریکا از ایران خواسته است اجازه دهد به کوه کلنگ حمله شود و تهران پاسخی ندهد؛ پیشنهادی که به گفته او ایران رد کرده است.» او همچنین سخنان ترامپ را نشانه احتمال جنگ در روزهای جاری دانست. همزمان منابع ناشناس آمریکایی و حساب‌هایی نظیر Global Eye از احتمال حمله طی روزهای جاری سخن گفته‌اند. اما خطر اصلی عادی‌سازی حمله است. در افکار عمومی به تدریج حمله به یک تأسیسات هسته‌ای عمیق زیر کوه، به رخدادی قابل انتظار تبدیل می‌شود و حتی گمانه‌هایی درباره استفاده از سلاح هسته‌ای تاکتیکی و سپس معرفی مهمات استفاده‌شده به عنوان یک سلاح متعارف مثل بمب جی بی یو 43 ب معروف به MOAB یا مادر بمب‌ها مطرح شده است. چنین سناریویی فعلاً سند علنی و مستقلى ندارد، اما حساسیت آن به اندازه‌ای است که نمی‌توان سناریوی استفاده از سلاح اتمی علیه یک کشور، ۸۰ سال پس از فاجعه هیروشیما، را با ساده‌سازی کنار گذاشت.

در این میان تجربه فوردو اهمیت پیدا می‌کند. حمله آمریکا به فوردو در روزهای پایانی جنگ ۱۲ روزه نباید به الگویی تبدیل شود که بر مبنای آن، تعرض مستقیم به تأسیسات هسته‌ای ایران هزینه‌ای قابل تحمل برای دشمن تلقی شود. تکرار چنین وضعیتی درباره تأسیسات کوه کلنگ یا تأسیسات زیرزمینی سایت اتمی شهید رئیسی اصفهان می‌تواند محاسبات خطرناک‌تری را در واشنگتن ایجاد کند.

گزارش ۹ سپتامبر ۲۰۲۶ مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS) نیز بر دشواری انهدام این مجموعه تأکید کرده است. براساس این تحلیل: «کوه کلنگ تأسیساتی عمیق در ساختار گرانی است

و نابودی آن با نیروی جنبشی متعارف «فوق‌العاده دشوار» خواهد بود. حتی بمب سنگر شکن مای، بمب حدود 13.6 تنی قابل حمل توسط 2-B که گزارش‌ها نفوذ آن را حدود ۶۰ متر عنوان می‌کنند، با محدودیت جدی مواجه است. برآوردهای منابع آمریکایی و اسرائیلی نیز عمق مجموعه را حدود ۸۰ تا ۱۰۰ متر می‌دانند. براساس برآورد این مراکز غربی و اسرائیلی، ورودی‌های ل‌شکل نیز برای کاهش اثر موج انفجار و جلوگیری از دسترسی مستقیم طراحی شده‌اند.»

بمب معروف به مادر بمب‌ها وضعیت دشوارتری دارد؛ این بمب اساساً برای ایجاد موج انفجاری عظیم سطحی طراحی شده و سلاح نفوذگر عمیق در گرانیست نیست و حمل آن با هواپیمای 130-C که در خطر هدف قرار گرفتن توسط دوش پرتاب‌ها و سایر سامانه‌های پدافندی برد کوتاه نیز هست محدودیت‌های عملیاتی آشکاری ایجاد می‌کند. از همین رو اگر مهمات متعارف موجود قادر به نابودی کامل هدف نباشند، باید سناریوهای دیگر را نیز در سطح فرضیه امنیتی بررسی کرد؛ از جمله این احتمال که دشمن در پی گزینه‌ای با قدرت تخریب بالاتر مانند یک بمب اتم تاکتیکی باشد.

در همین فضا، گزارش‌های رسانه‌ای ۱۵ اکتبر، از جمله سی‌ان‌ان و سی‌بی‌اس، از تهیه بسته‌های جدید حمله علیه ایران و قرار گرفتن کوه کلنگ در میان اهداف بالقوه سخن گفته‌اند، در این زمینه سی‌ان‌ان اظهار داشته است: «مقامات آمریکایی آشنا به موضوع گفته‌اند ارتش ایالات متحده طرح‌های ضربتی جدیدی تهیه کرده که شامل هدف قرار دادن سایت‌های هسته‌ای ایران، از جمله کوه کلنگ، می‌شود. این طرح‌ها در صورت دستور ترامپ برای ازرگیری عملیات رزمی (قبل یا بعد از انتخابات میان‌دوره‌ای) قابل اجرا هستند و صراحتاً استفاده احتمالی از بمب MOAB (مادر همه بمب‌ها) را برای این سایت در نظر گرفته‌اند.»

دام بزرگ‌تر؛

جنگ را به «کوه کلنگ» تقلیل ندهید

پیش از جنگ ۱۲ روزه، تصور غالب یک تهاجم هوایی کلاسیک علیه تأسیسات هسته‌ای بود. پیش از جنگ ۴۰ روزه نیز یکی از برآوردهای غالب، حمله‌ای نمادین به مراکز دولتی، امنیتی و نظامی بود؛ اما هر دو جنگ مسیری متفاوت از این پیش‌بینی‌ها پیمودند. امروز نیز برجسته‌ترین سناریو این است: آمریکا

ضربه‌ای سنگین به کوه کلنگ می‌زند، ترامپ «پایان پرونده هسته‌ای ایران» را اعلام می‌کند و سپس به مسائل داخلی و انتخابات می‌پردازد.

این سناریو محتمل‌ترین سناریوی ممکن است و آن را نمی‌توان حذف کرد؛ باید برای آن آماده بود. اما اگر هدف فقط کوه کلنگ است، دلیل انتقال این حجم از تجهیزات آفندی و پدافندی و ریزنی‌های گسترده سیاسی، نظامی و امنیتی در محور غربی-عبری-عربی، از جمله جلسات آلمان و امارات چیست؟ فرض «صرفاً ارباب تهران» نیز با تجربه گذشته سازگار نیست؛ ایران با دیدن ناو هواپیمابر تسلیم نمی‌شود و ترامپ نیز معمولاً مهره‌های نظامی را بدون تصور استفاده از آنها جابه‌جا نمی‌کند.

از سوی دیگر، تقلیل اهداف جنگ به پرونده هسته‌ای خطاست. آیا آمریکا و اسرائیل پس از ماه‌ها آماده‌سازی وارد جنگی خواهند شد که در آن تکلیف توان موشکی ایران، تگه هرمز و معادلات منطقه‌ای دست‌نخورده باقی بماند؟ خصوصاً آنکه در محاسبات اسرائیل، ضربه به زیرساخت‌های حیاتی و انرژی ایران جایگاهی جدی دارد. حتی «پلن بی» زمین‌سوخته و گرفتن امکان تحرک خارجی ایران نیز بدون زیرساخت‌زنی قابل تصور نیست. در چنین حالتی پاسخ ایران نیز الزاماً در جغرافیای همان هدف باقی نخواهد ماند و زیرساخت‌های منطقه می‌توانند وارد معادله شوند. بنابراین ریزنی‌های گسترده اخیر کشورهای عربی با طرف‌های غربی و اسرائیلی باید دقیق‌تر از یک سلسله ملاقات سیاسی عادی تحلیل شود.

سناریوی دیگر، ترکیب زیرساخت‌زنی، ترور و یک پیوست زمینی با هدف ایجاد فروپاشی سریع یا تحمیل تسلیم است؛ محاسبه‌ای که شباهت زیادی به تصور شکست‌خورده «اصابت نخستین موشک به تهران و آغاز شورش» یا «ترور مهم و فروپاشی داخلی» در جنگ‌های گذشته دارد. از این رو، ممکن است دشمن همچنان تصور کند یک عملیات پرشدت و مستمر سه تا پنج‌روزه برای دستیابی به اهداف اساسی کافی است. اما زمان پایان جنگ را فقط واشنگتن تعیین نمی‌کند. پایداری ساختاری، تاب‌آوری ملی و مهم‌تر از همه گستره زمانی، مکانی، کیفی و کمی پاسخ ایران است که می‌تواند محاسبه دشمن را درهم بشکند. خطرناک‌ترین اشتباه امروز آن است که تهران آن‌قدر به کوه کلنگ خیره شود که عملیات اصلی دشمن را در جایی دیگر نبیند.

یادداشت

یکی مرد جنگی به از صد هزار

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

مرور آنچه به خصوص در ۲۰ روز گذشته در تنگه هرمز به وقوع پیوسته، از یک تغییر مهم در الگوی اعمال قدرت ایران حکایت دارد؛ تغییری که شاید بتوان آن را به گذار از «تک‌تیر» به «رگبار» علیه شناورها و نفتکش‌های متخلف توصیف کرد. نیروی دریایی سپاه و نیروی دریایی ارتش، دیگر به برخوردهای موردی پسندیده نکرده‌اند و کنترل هرمز را به یک سازوکار مستمر برای تحمیل هزینه به متخلفان تبدیل کرده‌اند.

براساس آمارهای منتشرشده، تنها از ابتدای اکتبر دست‌کم ۱۴ نفتکش متعلق به شرکت ادنوک و دیگر شرکت‌های کشتیرانی ثبت‌شده در امارات هدف قرار گرفته‌اند؛ آماری که هم نقش پررنگ امارات یا بهتر بگوییم اسرائیل دوم در خلیج فاس در تلاش برای دورزدن کنترل ایران در هرمز را نشان می‌دهد و هم عزم تهران برای مقابله با کشتی‌های شاتل اماراتی را آشکار می‌سازد.

تا یکشنبه هفته گذشته نیز داده‌های مرکز عملیات دریایی بریتانیا، از اصابت به دست‌کم ۲۴ کشتی و نفتکش حکایت داشت. اما خود این سازمان انگلیسی اعلام کرده است که به دلیل خودداری بسیاری از کشتی‌های مورد حمله از گزارش دهی (به دلیل فشارهای آمریکا برای عدم افشای برخورد‌ها)، قادر به ارائه آمار دقیق نیست.

در مقابل، براساس اطلاعات‌ها و تصاویر منتشرشده از سوی نیروی دریایی سپاه، شمار شناورهای مورد اصابت یا برخوردکرده با مین‌های دریایی در بخش جنوبی تنگه، در فاصله کمتر از ۲۰ روز به عدد ۴۰ نزدیک شده است. این سازمان شنبه حتی از اصابت به یک کشتی در آب‌های عربستان سعودی در خلیج فارس خبر داد؛ یعنی دامنه برخورد برای شناورهای متخلف دیگر صرفاً در دهانه هرمز خلاصه نمی‌شود.

در روزهایی که «دیپلماسی ضعف» در دولت حاکم‌اند، این مردان میدان‌اند که بار سنگین ضعف تصمیمات سیاسی را به دوش می‌کشند. در این میان، سرلشکر محسن رضایی، دریادار علی عظمایی و سردار سیدمجد موسوی به اضلاع مهم این رویکرد میدانی تبدیل شده‌اند.

سرلشکر محسن رضایی ماه گذشته گفته بود نیروهای ایرانی هر شب به‌طور میانگین «۵ تا ۶ شناور قاچاق» را که با خاموش کردن فرستنده‌ها و حمایت آمریکا و متحدانش قصد عبور دارند، هدف قرار می‌دهند. به روایت او، ناکامی آمریکا در بازکردن تنگه، واشنگتن را به عبور مخفیانه نفتکش‌ها کشانده است.

دریادار عظمایی نیز تصویر روشن‌تری ارائه کرده است: «کنترل ما، کنترل هوشمند است» و شناورها برای عبور باید مجوز دریافت کنند. هرمز این روزها یک حقیقت قدیمی را دوباره یادآوری می‌کند: هنگامی که صد هزار جمله سیاسی قادر به تغییر معادله نیست، گاهی اراده چند مرد میدان معادله را تغییر می‌دهد؛ یکی مرد جنگی، به از صد هزار.

خطر بزرگ‌تر؛ پشت سناریوی کوه کلنگ

تجربه جنگ‌های ۱۲ و ۴۰ روزه نشان داد دشمن الزاماً مطابق سناریویی که پیش از درگیری در افکار عمومی برجسته می‌شود عمل نمی‌کند.

بنابراین همان‌قدر که باید برای حمله احتمالی

به کوه کلنگ آماده بود، نباید

انباشت تسلیحات، ریزنی‌های غربی-عبری-

عربی و احتمال هدف قرار گرفتن

زیرساخت‌های حیاتی، انرژی و

رئوس ساختاری کشور را پشت

هیاهوی یک سناریوی تک‌هدفه نادیده گرفت.

سینمای مستقل یا سینمای ضد میهن؟

علی نقدی

روزنامه‌نگار

محسن امیر یوسفی در پیامی ویدئویی به مناسبت اکران فیلمش در جشنواره فیلم لندن مانند بسیاری از هم‌صنفان خود، تا توانست برای غرب و براندازان خوش رقصی کرد تا شاید تکه نانی از این طریق برای خود دست‌وپا کند. او، خود و امثال خود را فیلمسازهای مستقلی دانست که می‌خواهند از رنج و مشکلات مردم ایران بگویند اما حاکمیت چنین چیزی را بر نمی‌تابد. امیریوسفی احتمالاً مخاطبانش را مانند خود و هم‌صنفانش ابله فرض کرده است که چنین وقیحانه سخن می‌گوید. بعد از دوبار حمله به ایران و اعترافات مقامات آمریکایی و اسرائیلی به تسلیح مزدوران خود در ایران، کمتر کسی می‌تواند آنقدر مفتضحانه خود را به خواب زده و اباطیل نشخوار کند، مگر اینکه حلقوم اجاره‌ای همان دشمن در ایران باشد.

منظور امیریوسفی از سینمای مستقل، سینمایی است که بتواند تمام خواسته‌های ناتو فرهنگی را علیه کشور اجرا کند و نظام حاکم هم برایش کف‌وسوت بزند. خیر آقای امیریوسفی. آنچه شما به عنوان استقلال معرفی می‌کند، بردگی در قبال چندتکه نان و شهرتی زودگذر است که ناتو فرهنگی مقابل شما می‌اندازد و به وقتش مانند پیشینیان تان، شما را به زباله‌دان می‌اندازد.

در پیام‌تان فیلم را به کشته‌شدگان دیماه تقدیم کردید اما نگفتید کدام کشته‌شدگان؟ آیا منظور شما آن مدافع امنیت بود که به قتل صبر توسط مزدوران موساد و اربابان شما کشته شد یا مقصود شما همان مسلحین وحشی و کودتاچی بود که توسط ارباب اجاره شده بودند؟

امثال امیریوسفی کاسبان وضع موجودند و از وضعیت کنونی کشور لذت می‌برند. دلپیش هم واضح است. اگر وضع اجتماعی و سیاسی کشور چنین نبود، جای آثار دم‌دستی و مبتذل امیریوسفی در زباله‌دان بود نه جشنواره‌های فیلم غربی. فیلمسازی که حتی یک اثر قابل اعتنا در کارنامه خود ندارد، بدون وضعیت اجتماعی کنونی ایران که دست‌پخت مزدوران غربی در داخل است چیزی برای عرضه ندارد که با آن کاسبی کند.

در ریاکاری و شیادی امیریوسفی‌ها همین بس که حتی جرات محکوم کردن متجاوزین به میهن‌شان را ندارند، چراکه می‌دانند حتی یک کلمه علیه ارباب غربی سخن بگویند همان چند تکه نان هم از آنها دریغ می‌شود.

اما وقاحت این جماعت عامل دیگری نیز دارد. بی‌عملی و عدم برخورد متناسب با کسانی که در حوزه فرهنگ آب به آسیاب دشمن می‌ریزند این جماعت را وحشی‌تر و گستاخ‌تر کرده است. از وزارت فرهنگ و ارشاد دولت پزشکیان باید پرسیم که این وضع تا کجا قرار است ادامه پیدا کند و اقدام علیه امنیت ملی در حوزه فرهنگ، در چه مرحله‌ای می‌تواند شما را به واکنش وادار کند؟

نگاهی به بازنمایی دوران پهلوی در شبکه نمایش خانگی به بهانه پخش «یل»

اگر همه چیز خوب بود، پس چرا انقلاب شد؟

روستا‌های ایران جدا شوند، می‌توانند تصویری بیش از اندازه برخوردار و آرام از آن دوران بسازند. این نخستین بار نیست. «شهرزاد»، «خاتون» و به‌خصوص «تاسیان» پیش‌تر نیز با نقدهایی درباره نوستالژیک‌کردن، زیباسازی یا تقلیل تاریخ پهلوی به سبک زندگی طبقات برخوردار مواجه شده‌اند. حالا پرسش این است: آیا با مجموعه‌ای از انتخاب‌های جداگانه طرفیم یا با شکل‌گیری تدریجی یک حافظه جعلی از عصر پهلوی؟



وحید ناظری

روزنامه‌نگار

«یل» هنوز برای قضاوت درباره کلیت روایتش به زمان بیشتری نیاز دارد، اما از همان قسمت‌های ابتدایی، مسئله بازنمایی تاریخی به یکی از نقاط قابل بحث آن تبدیل شده است. ضعف‌ها و غلط‌های فضا‌سازی سریال بسیار مشهود است. یعنی نشانه‌های بصری به اندازه‌ای نیستند که آن دوره تاریخی برای مخاطب ملموس شود. از سوی دیگر، حضور موسیقی‌های نوستالژیک، مصرف مشروب و مجموعه‌ای از نشانه‌های جعلی سبک زندگی در روستای دهه پنجاه به عادی‌سازی و سفیدشویی آن دوره منجر می‌شود.

این بحث زمانی جدی‌تری می‌شود که بدانیم مسئله «یل» را نمی‌توان جدا از سابقه شبکه نمایش خانگی در بازنمایی تاریخ معاصر دید. در «شهرزاد»، منتقدان بارها به این نکته اشاره کردند که کودتای ۲۸ مرداد و فضای استبدادی پس از آن در حاشیه یک ملودرام عاشقانه قرار گرفته و عظمت تاریخی آن رخداد به حاشیه رانده شده است. یعنی روایت، استمرار استبداد پس از کودتا را کم‌رنگ کرده و تصویری از بازگشت جامعه به وضعیت متعادل ارائه می‌دهد که با واقعیت تاریخی سازگار نیست. این نوعی استفاده از «نوستالژی» به عنوان ابزاری برای پوشاندن گسست‌های تاریخی و تحریف واقعیت دوره پس از کودتا است.

اما نقطه عطف این روند را می‌توان در «تاسیان» دید. سریالی که تصویری خوش رنگ و لعاب از سال‌های پایانی پهلوی ارائه می‌کند و با «رویا فروشی» به مخاطب این تلنگر را می‌زند که آن دوران، دوران خوبی بوده که از دست رفته است. فرهیخته و خوش برخورد نشان دادن ساواکی‌ها و ارائه تصویری بیش از اندازه مطلوب از وضعیت اقتصادی و بهداشتی پیش از انقلاب، مواردی در تاسیان بودند که نمی‌توان به راحتی از کنارشان گذشت. برخی نقدهای دیگر نیز درباره تاسیان به حذف یا

می‌کند. نویسنده با تکیه بر منابع کهن، ویژگی‌های اصحاب کربلا را استخراج کرده و آن‌ها را با شهدای انقلاب، دفاع مقدس و مدافعان حرم مقایسه کرده است. اثر در چهار فصل تنظیم شده و هدف آن تقویت هویت نسل جوان است. در مراسم، حجت‌الاسلام صمدی، مدیرعامل مؤسسه نشر جمرکان، بر حرکت ملت ایران در مسیر تمدن کربلا تأکید کرد. حجت‌الاسلام اسکندری، مدیرکل اوقاف قم، کتاب را متناسب با نیازهای فرهنگی امروز دانست و میان «زندگی کردن» و «زنده ماندن» تفاوت قائل شد. حجت‌الاسلام آقا‌ق‌نژاد، تولیت مسجد جمرکان، نیز حضرت زینب(س) را الگوی صبر و تسلیم‌ناپذیری و حافظ پیام عاشورا خواند. در بخش پایانی، با حضور حجت‌الاسلام حسین‌آبادی، معاون فرهنگی آستان، از نویسنده به پاس سال‌ها فعالیت قرآنی و پژوهشی تجلیل شد و برگزیدگان مسابقه سراسری کتابخوانی این کتاب نیز هدایایی دریافت کردند. برنامه با تکریم مادران و خانواده‌های شهدا پایان یافت.



همزمان با میلاد حضرت زینب کبری(س)، آیین رونمایی از کتاب «ملت امام حسین(ع)؛ از کربلا تا ایران» در آستان مقدس مسجد جمرکان برگزار شد. این مراسم با همکاری مؤسسه تفسیر و علوم قرآنی «نورالیقین» و مؤسسه پژوهش و نشر جمرکان انجام گرفت. کتاب، به قلم مائده آل‌مرتضی، پیوند میان یاران امام حسین(ع) در سال ۶۱ هجری و شهدای معاصر را بررسی

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز:

محسن منصوری

■ مدیر مسئول:

حمیدرضا بیانی

■ تلفن:

۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲

■ کدپستی:

۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ ســـپهبد قـرنی خ شـــاداب پلاک ۲۲ واحد پنج

■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

nobonyadonline.ir

فرهنگ

C U L T U R A L

■ شنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۶۱

یادداشت

سه کتاب درباره شهید سنوار

مسعود حنیفی

روزنامه‌نگار

یحیی سنوار یکی از مهم‌ترین چهره‌های تاریخ مقاومت فلسطین دانست. شخصیتی که زندگی اش از اردوگاه آوارگان خان‌یونس آغاز شد، سال‌های طولانی را در زندان‌های رژیم صهیونیستی گذراند و سرانجام از جایگاه یکی از رهبران حماس به فرماندهی مقاومت در غزه رسید. او از طراحان اصلی ۱۷ اکتبر بود که دیگر تاریخ مقاومت به قبل از آن بازمی‌گردد. سنوار در ۱۹ اکتبر ۲۰۲۴ در رفح به شهادت رسید. او از نسلی از مبارزان فلسطینی بود که زندان را به مدرسه‌ای برای مطالعه و سازمان‌دهی تبدیل کردند و حتی در اسارت، نوشتن را به ابزاری برای ثبت تاریخ فلسطین بدل ساختند. در آستانه دومین سالگرد شهادت سنوار به معرفی چند کتاب درباره این شهید پرداخته‌ایم. «خار و میخک» نخستین و مهم‌ترین انتخاب است. این رمان نوشته خود یحیی سنوار و با ترجمه اسماء خواجه‌زاده توسط انتشارات کتابستان معرفت منتشر شده است. سنوار این اثر را در دوران زندان نوشته و در آن، از خلال سرگذشت شخصیت‌های داستان، تاریخ چند دهه از زندگی فلسطینیان را روایت می‌کند. این کتاب به قلم یحیی سنوار، تصویر رسانه‌ای را که در ذهن خواننده از فلسطین شکل گرفته، می‌شکند و او را شفاف‌تر از پیش با مقاومت فلسطینیان آشنا می‌کند.

«سنافور» دومین اثر داستانی سنوار است که در ایران منتشر شده است. این کتاب نیز با ترجمه اسماء خواجه‌زاده و توسط انتشارات کتابستان معرفت به بازار آمده است. سنوار در «سنافور» زندگی و مبارزات اشرف حسن یوسف بعلوجی، یکی از مبارزان فلسطینی را روایت می‌کند و داستان مبارزه او را به بستری برای بازنمایی تجربه مقاومت تبدیل می‌سازد. کتابستان اعلام کرده این اثر پس از انتشار، چند نوبت تجدید چاپ شده است.

اما برای خواننده‌ای که می‌خواهد سنوار را از زاویه‌ای بیرون از نوشته‌های خودش بشناسد، «یحیی؛ قهرمان ملت، دشمن دولت» نوشته راسل برنا و ترجمه شهریار شفیعی، منتشر شده توسط انتشارات شهید کاظمی، انتخاب مهم‌تری است. کتاب زندگی سنوار را از دوران کودکی و زندگی در اردوگاه آوارگان تا سال‌های زندان، فعالیت تشکیلاتی، رهبری حماس و جنگ غزه دنبال می‌کند و تلاش دارد شخصیت سیاسی و فکری او را در متن تاریخ فلسطین بررسی کند. این سه کتاب در کنار هم تصویر کامل‌تری می‌سازند: «خار و میخک» و «سنافور» سنوار نویسنده را نشان می‌دهند و «یحیی؛ قهرمان ملت، دشمن دولت» سنوار رهبر و مبارز را از نگاه یک نویسنده بیرونی بررسی می‌کند. برای سالگرد شهادت او، این سه کتاب شاید کوتاه‌ترین مسیر برای عبور از تصویر رسانه‌ای و رسیدن به جهان فکری و تاریخی مردی باشد که نامش با مقاومت فلسطین گره خورده است.